



گردشگری کرمان

کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

سال دوم / شماره هفت / زمستان ۱۳۹۳ / ۲۰ صفحه

Number 7 / 20 pages



عکس: فرزاد گوری

- ۲ آموزش و زیرساخت‌های صنعت گردشگری ایران
- ۲ بهاریه
- ۳ وقتی در کویر دل به عشق می‌سپاری
- ۴ گشت‌های یک روزه در استان کرمان
- ۷ گشت بهاران
- ۱۰ شگفتی‌های دیدنی آتشفشان «مه گوج»
- ۱۲ روستاهای هدف گردشگری که دیگر روستا نیستند
- ۱۴ ارگ بم
- ۱۷ انسان‌هایی که به اندازه همان آثار باستانی ارزش دارند
- ۱۸ گزارش همایش «کسب و کار و کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری»



سخن مدیر مسئول

سید محمد ابراهیم علوی

مدیر مسئول، رئیس کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان و مشاور عالی کمیسیون گردشگری و خدمات اتاق ایران

۰ میزبانی هفدهمین کنفرانس راهنمایان گردشگری جهان سال ۲۰۱۷

۰ آموزش و زیرساخت‌های صنعت گردشگری ایران

زمین، انرژی برای حیات و موضوع فرعی غذا و فرهنگ از ۹۴/۲/۱۰ لغایت ۹۴/۸/۱۰) با برگزاری نمایشگاه‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی سالانه با موضوع گردشگری در اسپانیا (فیتر)، برلین، پاریس، مالزی و سایر کشورها، نمونه‌ها و تجربه‌های موفق و مثال‌زندی در این خصوص است. (برای مثال آموزش ترک عادت مردم چین از ریختن آب دهان در معابر، مجالس و محیط‌های اداری برای نمایشگاه اکسپو چین را می‌توان نام برد).

در کشورمان ایران و به تبع آن در بسیاری از استان‌ها و مناطق، ضعف در آموزش و رفتارهای اجتماعی و چگونگی رفتار و برخورد با گردشگران (اعم از داخلی و خارجی) در همه سطوح، از قبیل تاکسیرانی، اتوبوسرانی و حمل و نقل، هتلداری، رستوران، معرفی جاذبه‌ها، بازدید از اماکن، فروش کالا و خدمات توسط مغازه‌ها و فروشگاه‌ها، ویژه چگونگی پذیرایی و... مشهود است و رفع این ضعف‌ها نیازمند برنامه‌ریزی آموزشی با همکاری همه مردم (خانواده‌ها) و به ویژه وسایل ارتباط جمعی دولتی، خصوصی، مهدکودک‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، انجمن‌های محترم جمعه و جمع‌های شوراهای شهر و روستا، شهرداری‌ها و همه دستگاه‌های دولتی و سازمان‌های خصوصی و تشکل‌ها است که باید تحت مدیریت و برنامه‌ریزی سازمان متولی یعنی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، طراحی، هدایت و اجرا شود و همه

روز راهنمایان گردشگری در ایران، مأموریت بررسی و ارزیابی امکانات کشورمان را برای انتخاب و برگزاری هفدهمین کنوانسیون جهانی سال ۲۰۱۷ در ایران را دارد. کشورهای میزبان کنفرانس‌ها و جشنواره‌ها و نمایشگاه‌های بین‌المللی به ویژه از نوع فرهنگی، گردشگری و ورزشی (المپیک)، از چندین سال قبل از برگزاری مراسم از راه‌ها و به شیوه‌های مختلف نسبت به آموزش مردم کشور خود در ابعاد و جنبه‌های مختلف و ایجاد زیرساخت‌های لازم و مرتبط با موضوع کنفرانس، جشنواره و نمایشگاه و تبلیغ و معرفی و کسب آمادگی هر چه بیشتر مردم کشور خود برای برگزاری هر چه باشکوه‌تر این قبیله رویدادها برنامه‌ریزی و اقدام می‌نمایند.

ایجاد زیرساخت‌های لازم رفاهی (اقامتگاه، رستوران، حمل و نقل بار و مسافر، توجه به محیط زیست، تعمیر و مرمت، احداث، تعریف و ایجاد سرویس‌های رفاهی و... در کنار آموزش مداوم چگونگی رفتار با گردشگران) به مردم از خرد و کلان از طریق وسایل ارتباط جمعی، شبکه‌های مجازی و اینترنت، خانواده‌ها، مهدکودک‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها و... در صدر برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشور میزبان، توسط بخش دولتی و بخش خصوصی قرار می‌گیرد. نمایشگاه ۶ ماهه اکسپو چین (۴ سال قبل) و نمایشگاه اکسپو ۶ ماهه ۲۰۱۵ میلان ایتالیا (با موضوع اصلی تغذیه

هشتمین جشن ملی راهنمایان گردشگران ایران در تاریخ ۳۰ بهمن الی ۱ اسفند در شهر مقدس مشهد برگزار می‌شود. در سال قبل استان کرمان میزبان هفتمین جشن ملی راهنمایان گردشگری ایران (در همین تاریخ) بود، در سال گذشته خانم فلیسیتاس رئیس فدراسیون جهانی انجمن‌های صنفی راهنمایان گردشگری

World Federation of Tourist Guide Association (WFTGA)

مهمان اصلی جشن مزبور در استان کرمان بود، زنجیره انسانی «بم زنده است» (Bam is Alive)، که در ارگ سربلند قدیم بم نمایش داده شد به نحو موثری توجه جهانیان را به سرزمین کهن، زیبا و پر جاذبه ایران و به ویژه استان کرمان و وجود امنیت برای گردشگران خارجی (با توجه به تبلیغات منفی علیه برخی مناطق ایران) جلب نمود.

در سال جاری مشهدی‌ها میزبان هشتمین جشن ملی روز راهنمایان گردشگری هستند و خانم «روبی روی» نایب رئیس فدراسیون جهانی راهنمایان گردشگری (WFTGA) مهمان اصلی است، اهمیت رویداد سالجاری انتخاب میزبانی احتمالی ایران برای برگزاری هفدهمین کنوانسیون جهانی راهنمایان گردشگری دنیا در سال ۲۰۱۷ میلادی است.

خانم «روبی روی» علاوه بر شرکت در هشتمین جشن ملی

ادامه در صفحه ۲۰

بهاریه



سخن سردبیر

بتول ایزدیناه

سردبیر و عضو کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان

نام کرمان را که می‌بریم پیش و بیش از هر چیز تاریخ در ذهنمان تداعی می‌شود و آنچه از دوران گذشته برجای مانده در حالی که آب و هوای متنوع، طبیعت زیبا، آبشارهای دیدنی، غارهای شگفت‌انگیز، کویر پر راز و رمز، رودخانه‌هایی که در دل کویر خشک جاری است و صدها پدیده دیگر جلوه‌ای خاص به این دیار اسرارآمیز بخشیده است که دیدن آنها حتماً خاطره‌انگیز خواهد بود. کاش در سال جدید بتوانیم در معرفی توانایی‌ها و جاذبه‌های شهر و دیارمان جدی‌تر باشیم و البته در کنار این همه جاذبه‌های تاریخی و طبیعی و پدیده‌های کویری به فکر ایجاد امکانات رفاهی هم باشیم، کرمان سرزمینی جذابی است با طبیعتی شگفت‌انگیز که آن را به سرزمین چهار فصل تبدیل کرده است و این مزیت بی‌ظنیری است که در کمتر جایی پیدا می‌شود، با کمی تلاش و همت می‌توانیم آن را تبدیل به یک فرصت کنیم.

سال تکرار می‌شود اما هرچه از آن بگوییم باز هم تازگی دارد، هرگز خسته کننده نیست، تکرار یک حس بسیار زیباست، نوروز جشن زمین و زمان است، جشن شگفتی‌هاست، نوروز رسم و آیینی است که می‌تواند ما را از رکود و رخوت بیرون آورد، اگر بخواهیم که این دگرگونی و تحول به ما تولدی دوباره ببخشد. جشن نوروز یکی از زیباترین سنت‌هاست، سنتی ملی است که با ایمان مذهبی و عشقی استوار با دل‌های مردم پیوند خورده است.

معمولاً یکی از آداب سال نو گرفتن تصمیم تازه برای زندگی جدید است، دگرگونی است و تحول به حال خوب! انشا... این مقدمه را گفتیم برای این که بدانیم نوروز در راه است و جمع دوستان اندک، اندک از راه می‌رسند و کرمانی‌های خونگرم، مهربان و مهمان‌نواز برای پذیرایی از مهمانان نوروزی آماده می‌شوند.

اسفندماه که از راه می‌رسد بوی بهار را هم با خود می‌آورد، شاید هم تلنگری می‌زند تا خودمان را آماده کنیم برای یک دگرگونی و تحول، شاید هشدار می‌دهد که باید نو شویم، باید نو شدن و تحول را با همه شکوه و شگفتی‌اش از طبیعت بیاموزیم، چقدر خوب است بهار که از راه می‌رسد ذهنمان را خانه تکانی کنیم و شجاعت تحول و از نو ساختن را از طبیعت بیاموزیم. در فرهنگ و آداب و سنن هر قوم و ملتی آیینی وجود دارد که ریشه تاریخی داشته و بسیار محترم و ارزشمند است و در واقع جلوه‌ای است از باورهای آن جامعه، باورهایی که در تمام زندگی جلوه‌نمایی می‌کنند و در هر شرایطی در کنارمان است، حتی اگر ماتم زده و داغدار هم باشیم آیین نوروز را در کنار آرامگاه عزیزانمان بر پا می‌کنیم و همین باورها هستند که تکرار می‌شوند، ریشه می‌گیرند و عجا که هرگز هم کهنه نمی‌شوند. نوروز از راه می‌رسد، هر سال این اتفاق می‌افتد، هر



گزارش

وقتی در کویر دل به عشق می‌سپاری



ویکی در حال مونتاژ گردنبندهای سنتی

و یک مغازه تزئینات داخلی سنتی داشتیم و سعی می‌کردم صنایع دستی همه شهرهای ایران را در آن عرضه کنم. کم‌کم گلیم و فرش را به روستای مصر آوردم و فروختم که هم برایم تفریح و هم کاسبی بود. صنایع دستی‌ها را از ۱۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان می‌فروختم، البته شاید هزینه مسیر یزد تا مصر بیشتر از درآمدم می‌شد، اما همین‌که می‌توانستم کاری برای صنایع دستی انجام دهم، خوشحال بودم.

او ادامه می‌دهد: ۹۰ درصد قاب‌های خاتم‌کاری یا صنایع دستی میدان نقش جهان اصفهان چینی هستند، اما من فقط جنس ایرانی می‌فروشم. گرچه کار دشواری است، اما بعد از پیگیری‌های بسیار جاهایی را که صنایع دستی ایرانی را عرضه می‌کنند پیدا و در مغازم می‌فروشم.

مصطفی اضافه می‌کند: قبل از عید بود که یک مغازه در روستای مصر اجاره کردم، شاید اینکه از یزد به اینجا آمدم و سه مغازم را یزد را جمع کردم احمقانه به نظر برسد، اما خودم از کاری که انجام دادم راضی هستم. گرچه درآمدم میلیاردی نیست، اما گاهی اوقات در یک هفته دو میلیون تومان برای مغازه خرید می‌کنم.

او درباره آشنایی‌اش با «ویکی» می‌گوید: به نظرم او بعد از سفر به ۴۰ کشور، آمادگی شروع یک زندگی مشترک را داشت و من هم که تازه به مصر آمده و تنها بودم، صبح‌ها مغازه را باز می‌کردم و در کنار آن به مردم روستا در کشاورزی و دیگر کارها کمک می‌کردم. روز اولی که باهم آشنا شدیم، صبح زود بود و من از قنات برمی‌گشتم. حالا حدود پنج ماه است که باهم ازدواج کرده‌ایم.

مصطفی می‌گوید: سعی نکردم تا زبان فرانسوی را از ویکی یاد بگیرم، اما اگر ویکی فارسی را خوب حرف می‌زند به خاطر این است که مربی خوبی مثل من داشته است!

خانواده ویکی تنها عکس مصطفی را دیده‌اند و نظرشان درباره او این بوده که شبیه مردان اصیل ایرانی است.

او که برنامه‌های بسیاری برای آینده مغازه صنایع دستی‌شان دارد، در این باره می‌گوید: می‌خواهم دستگاه‌های بافندگی قدیمی را از شهرهای مختلف خریداری کنم تا وقتی توریست‌ها به این مناطق می‌آیند، بتوانند حتی اگر دو رج ببافند و این هنر را تجربه کنند؛ اما انجام چنین کاری نیاز به زمان دارد.



بعضی از ما انسان‌ها فقط زندگی می‌کنیم به حکم این‌که زنده‌ایم، زندگی می‌کنیم چون نفس می‌کشیم، حرکت می‌کنیم و تلاش هم! اما دچار روزمرگی هستیم، بی‌هیچ هدفی و البته امیدی هم! گاهی اما، زنده‌ایم برای اینکه زندگی کنیم، برای اینکه بودمان را ثابت کنیم، زندگی را تجربه کنیم و چگونه زیستن را، عرض زندگی برایمان مهم است، هدف داریم و می‌خواهیم از آنچه داریم به بهترین شکل استفاده کنیم، به درستی و در آرامش همان‌گونه که حقمان است. گاهی به جای خون هیجان در رگ‌هایمان جاری است و به دنبال آن تا کجا که نمی‌رویم، شاید گاهی به خطا و ای بسا به سوی سرنوشت، از کجا به کجا!

دستی‌شان در روستای مصر گردنبندهای مسی و برنجی را با دانه‌های ریز بادام کوهی سرهم می‌کند.

او درباره فروش صنایع دستی می‌گوید: در طول هفته همه چیز آرام است، اما آخر هفته که گردشگران بسیاری به منطقه می‌آیند، سرمان شلوغ و فروشمان زیاد می‌شود.

ویکی می‌افزاید: فروش صنایع دستی کفاف هزینه‌های زندگی‌مان را در اینجا می‌دهد، اما هر بار که می‌خواهم به فرانسه سفر کنم با مشکل مالی مواجه می‌شوم. طی چهار ماه و نیمی که در ایران زندگی می‌کنم تنها یک‌بار برای انجام کارهایم به فرانسه رفته‌ام و اگر بتوانم سالی یک‌بار به کشورم سفر کنم، برایم خوب است؛ چون من هم نیاز دارم در سال یک‌بار خانواده‌ام را ببینم.

فارسی هفتمین زبانی است که ویکی در طول پنج ماه اقامتش در ایران یاد گرفته. او که به‌خوبی فارسی حرف می‌زند، درباره اینکه چطور آن را در مدت کوتاه یاد گرفته است، اظهار می‌کند: من هوش بالایی دارم، در کنار آن چون همسرم خیلی کم انگلیسی صحبت می‌کند، انگیزه یادگیری من برای این زبان زیاد شده است. در عین حال از یک کتاب خوب فرانسوی - فارسی استفاده می‌کنم. زمانی که اینجا آمدم، هیچ چیز از زبان فارسی را متوجه نمی‌شدم و صحبت کردن با همسرم برایم سخت بود، اما الآن خیلی بهتر می‌توانم صحبت کنم.

«مصطفی دهقان نیری»، همسر ویکی نیز می‌گوید: هنگامی که در یزد زندگی می‌کردم، دو مغازه پوشاک سنتی



فروشگاه صنایع دستی ویکی و مصطفی

«ویکتور پیتان» به‌تازگی ۳۰ ساله شده و زمانی یکی از گردشگران ایران بوده و حالا یک شهروند ایرانی است. او در آخرین سفرش با «مصطفی» آشنا شد و با او ازدواج کرد و تصمیم گرفت در روستای مصر زندگی کند. اهالی روستا به او «ویکی» می‌گویند.

ویکی می‌گوید: اولین بار دی‌ماه سال ۹۲ بود که به ایران سفر کردم و بعد از آن دومین بار در فروردین ۹۳ به ایران برگشتم. در سفر دوم با مصطفی آشنا شدم که یک فروشگاه صنایع دستی داشت. او هدیه کویر به من بود و ما تصمیم گرفتیم ازدواج کنیم.

او که فرانسوی تبار است، درباره پیشینه ذهنی که از ایران داشت اظهار می‌کند: والدین پدرم در زمان‌های بسیار دور در ایران زندگی می‌کردند که پدر بزرگم مهندس شرکت نفت بود. در خانه ما همه فرش‌ها ایرانی و روی دیوارها تابلوهای مینیاتور نصب شده بود. خیلی دوست داشتیم به ایران سفر کنیم، اما نمی‌دانستیم یک زن تنها هم می‌تواند به ایران سفر کند یا نه؛ چون در رسانه‌های خارجی تصاویر خوبی از ایران نشان نمی‌دهند. بعداً خیلی اتفاقی با شخصی در فرانسه آشنا شدم که زیاد به ایران سفر می‌کرد و گفت تصمیم دارد دوباره به ایران برود و گفت من هم می‌توانم همراهش به ایران بروم، ۱۰ روز بعد از آن ایران بودم.

ویکی ادامه می‌دهد: اول به عشق شوهرم زندگی در کویر مصر را انتخاب کردم، اما خودم هم طبیعت و زندگی ساده اینجا را دوست داشته و دارم و احساس می‌کنم آزادی بیشتری دارم. اینجا خبری از اجبارهای اجتماعی که در شهرهای بزرگ دیکته می‌شوند نیست و مردم سبک زندگی خودشان را انتخاب می‌کنند؛ بنابراین چهارچوب زندگی شهری وجود ندارد و من به این خاطر احساس آزادی بیشتری می‌کنم.

ویکی برای یک انجمن حمایت از کودکان بی سرپرست کار می‌کند و به کشورهای بسیاری از جمله هند، آفریقا، میانمار و... سفر و مدتی هم در آن‌ها زندگی کرده و به همین دلیل مستقیم از پاریس به تهران نیامده است. او در مغازه صنایع



گشت‌های یک روزه در استان کرمان



معرفی منطقه‌ی گردشگری

سید عبدالرضا جعفری صدر

عضو کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
استاد یار دانشگاه آزاد اسلامی

در این گزارش سعی شده است تا برای فصلنامه گردشگری زمستان ۱۳۹۳ در آستانه‌ی بهار ۱۳۹۴، طرحی برای استفاده از روزه‌های تعطیل سال نو پیشنهاد نماییم. این طرح سفرهای یک روزه به شهرستان‌های کرمان است. در هر بسته پیشنهادی نقشه مسیر، فاصله از مرکز استان شهر کرمان، مدت زمان تقریبی تا رسیدن به مقصد، فهرست مهم‌ترین نقاط دیدنی به همراه توضیح مختصر و در پایان سوغات هر شهرستان بطور خلاصه آورده شده است. برای استفاده بهتر، نقشه‌های ضمیمه را به همراه داشته باشید هم‌چنین می‌توانید از اپلیکیشن‌های موبایلی که ارائه شده به همراه نقشه‌های گوگل ارت استفاده کنید. در بسته‌های تهیه شده به گونه‌ای مناطق انتخاب شده‌اند که حداقل در مسیر جاده‌های اصلی باشند و حتی‌الامکان توسط خودروی شخصی همراه با خانواده قابل دسترسی باشند.

– منطقه ویژه اقتصادی در مسیر جاده بم به سمت زاهدان شامل پارک تفریحی، دریاچه، رستوران و هتل در تعطیلات نوروزی منطقه ویژه برنامه‌های شبانه اختصاصی دارد.
سوغات بم: شامل مرکبات، خرما و صنایع دستی است.



شکل ۲: نقشه مسیر کرمان بم

شهر بابک، روستای صخره ای میمند

فاصله تا مرکز استان: ۲۳۰ کیلومتر

مدت زمان تقریبی مسیر: ۳ ساعت و ۲۰ دقیقه

وضعیت راه‌های ارتباطی: اغلب راه‌های اصلی دو بانده و سایر راه‌های دسترسی محلی تک بانده است. برای رفتن به شهر بابک ابتدا بایستی مسیر کرمان به رفسنجان را انتخاب کنید، سپس جاده کوهستانی سرچشمه و معدن مس سرچشمه را دنبال کنید.

پس از عبور از دشت خاتون آباد می‌توانید ابتدا از روستای صخره‌ای ده هزار ساله میمند بازدید کنید.

نقاط دیدنی:

- روستای صخره‌ای میمند
- امارت موسی‌خانی متعلق به عهد قاجار داخل شهر
- دشت ریواس جنوب شهر بابک

– مجموعه گنجعلیخان شامل حمام، بازار و موزه، آثار فرهنگی دوره صفویه
– مجموعه تفریحی فرهنگی هفت باغ علوی: شن نوردی، دوچرخه سواری، شتر سواری، اسب سواری، بازدید از باغ پرندگان فلامینگو و رستوران‌های متنوع و متعدد
– موزه اسلحه، موزه سکه، موزه مردم شناسی و تاریخ زرتشتیان، موزه دفاع مقدس، باغ شاهزاده ماهان، آرامگاه شاه نعمت‌الله ولی ماهان، پارک تفریحی ماهان.
سوغات کرمان و ماهان: کلمپه، قطاب، کماچ سپهن، پسته، خرما، زیره، قالی، گلیم، صنایع دستی بویژه مس، انواع گیاهان دارویی و ...

کویر لوت شهداد

اطلاعات بیشتر در خصوص کویر لوت شهداد را از مطلب جناب آقای رشیدی مقدم در صفحه ۷ با عنوان «گشت بهاران» مطالعه فرمایید.



شکل ۱: نقشه مسیر کرمان شهداد

ارگ بم

فاصله تا مرکز استان: ۱۷۰ کیلومتر

مدت زمان تقریبی مسیر: ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه

وضعیت راه‌های ارتباطی: اغلب راه‌های ارتباطی دوبانده است. بخش کمی از مسیر کرمان به بم هنوز تک بانده است. از شهر کرمان دو مسیر متفاوت به سمت ماهان وجود دارد، مسیر هفت باغ علوی و مسیر جاده سیلو که از میدان بیرم به سمت ماهان می‌رود.

نقاط دیدنی:

– دیدن ارگ بم و بازسازی‌های انجام شده پس از زلزله سال ۱۳۸۲ و درختان خرما

سفر برای آموختن، تجربه کردن و در کنار هم لذت بردن است. مواظب باشیم در سفرها طبیعت را آلوده نکنیم، آهسته برانیم و با رعایت حق تقدم بگذاریم تا دیگران هم سفر لذت بخشی داشته باشند.

فهرست کوتاه مطالب این گزارش عبارت است از:

بخش اول: اشاره مختصری به مهم‌ترین دیدنیهای شهر کرمان شده است.

بخش دوم: به کویر شهداد، کلوت‌ها، رودخانه شور و ...

بخش سوم: ارگ بم و منطقه ویژه اقتصادی

بخش چهارم: شهر بابک و روستای صخره ای میمند

بخش پنجم: رفسنجان، رودخانه گیودری و منطقه گردشگری راکه

بخش ششم: سیرجان، کفه نمکی خیرآباد و باغ سنگی بلورد، یخدان‌ها و اماکن زیارتی

بخش هفتم: جیرفت و عنبرآباد و آثار باستانی کنار سندان

بخش هشتم: رابر و هنزا، دریاچه سد، چشمه عروس، بُندر هنزا و تخت سرتشتک

بخش نهم: بردسیر و لاله زار، تل ابلیس

بخش دهم: بافت و صوغان، کوهستان خبر، شاه ولایت و تپه یحیی

بخش یازدهم: راور، شهر کاروانسراها

بخش دوازدهم: زرنده و کوهبنان، ردپای ژوراسیک، معادن زغال سنگ و زادگاه شاه نعمت الله ولی

شهر کرمان

نقاط دیدنی:

سفری یک روزه در شهر کرمان فرصت مناسبی است تا از آثار تاریخی و مکان‌های تفریحی آن دیدن نمایید.

– گنبد جبلیه، گنبدی سنگی احتمالاً مربوط به دوره ساسانی

– تخت درگاه قلی بیگ، عمارتی بجای مانده از دوران سلجوقی

– باغ بیرم آباد، باغ و امارت حاکمان دوران صفوی



شکل ۵: نقشه مسیر کرمان، راین، جیرفت، عنبرآباد

رابر و هنزا

فاصله تا مرکز استان: ۲۰۰ کیلومتر
مدت زمان تقریبی مسیر: ۳ ساعت
وضعیت راههای ارتباطی: راه اصلی دو بانده و سایر مسیرهای دسترسی تک بانده است.
نقاط دیدنی:

- روستای هنزا در مسیر جاده رابر به سمت ساردوئیه واقع شده است.
- بُندر هنزا، دره ای به طول ۳ کیلومتر پوشیده از درختان گردو
- تخت سر تشک در انتهای مسیر و در ارتفاع ۳۰۰۰ متری قرار دارد.
- چشمه عروس
- منطقه گردشگری اسکر
- سوغات رابر و هنزا: محصولات لبنی، خشکبار، گردو، بادام، گیاهان دارویی.



شکل ۶: نقشه مسیر کرمان، رابر، هنزا

- امارت رضوی و بادگیرهای چپتی
- کفه نمکی خیرآباد جاذبه طبیعی منحصر بفرد
- باغ سنگی: روستای بلورد، باغی متفاوت با داستانی که باید دید و شنید.
- سوغات سیرجان: مسقطی، گلیم شیریکی، بیج، قالی.



شکل ۴: نقشه مسیر سیرجان کرمان

جیرفت و عنبر آباد، آثار باستانی کنار سندل

فاصله تا مرکز استان: حدود ۲۸۰ کیلومتر
مدت زمان تقریبی مسیر: ۴ ساعت و ۳۰ دقیقه
وضعیت راههای ارتباطی: بخش عمده‌ای از راه دسترسی محلی تک بانده است. راههای اصلی این شهرستان دو بانده می‌باشد. برای رفتن به جیرفت باید ابتدا از مسیر کرمان به سمت ماهان برویم. جیرفت دو مسیر متفاوت بکری است. هر دو مسیر کوهستانی و مفرح می‌باشند. مسیر نخست کوتاهتر است. در مسیر اول پس از طی مسیر کرمان به سمت ماهان و بهم، مسیر راین را انتخاب کنید.
نقاط دیدنی:

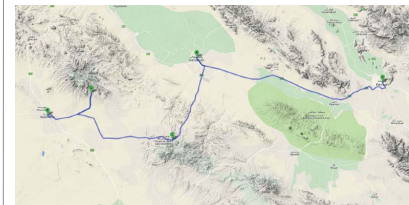
- ارگ راین، دومین بنای بزرگ خشتی جهان بازمانده دوران ساسانیان
- آبشار راین، آبشار منطقه کوهستانی ارتفاعات هزار در فاصله ۱۶ کیلومتری راین
- روستای اردیکان: مرتفع ترین روستای مسکونی ایران
- آثار آتشفشان قلعه حسنعلی و معادن مرمر راین در حاشیه جاده راین به جیرفت
- روستای سر بیژن: در ارتفاعات سر بیژن از جنگلهای باستانی درختان کهنسال اُورس با قدمت ۵۰۰۰ ساله لذت ببرید و تجربه یک جاده کوهستانی تا ارتفاع ۳۰۰۰ متر را داشته باشید.
- منطقه دلفارد طبیعت زیبای بیلاقی و جنگل های انار شیطان تنها بازمانده های ذخیره ژنتیکی گونه ایرانی
- دریاچه سد جیرفت با حجم آبیگری حدود ۴۰۰ میلیون متر مکعبی و وسعت ۱۰ کیلومترمربع در ۴۰ کیلومتری شهر، واقع در تنگ نراب
- موزه میراث فرهنگی محل نمایش آثار تمدن باستانی شهر جیرفت
- تپه های باستانی کنار سندل عنبرآباد، مکان آثار شهر دقیانوس در حاشیه غرب هلیل رود و پشته بهجرد
- قلعه سنگی باستانی سموران با قدمت ۲۰۰۰ ساله واقع در ۳ کیلومتری شمال غرب روستای رود فرق آبشار وروار، با ۱۷۰ متر بلندی واقع در مسیر رود فرق جبالارز جنوبی با دامنه سر سبز مفروش از گل نرگسی در فصل بهار
- سوغات جیرفت و عنبرآباد: میوه های تازه، سبزیجات، مرکبات و خرما.

- قلعه مهرجرد ۶ کیلومتری نزدیک روستای استبرق
- گنبد ملا حیدری ۳۶ کیلومتری جاده یزد، گنبدی تمام سنگی است و احتمالاً در گذشته دور آتشکده بوده است.
- منطقه گردشگری روستای دهج
- رودخانه جوزم با درختان بید، گردو، تبریزی و سپیدار منظره بدیعی در بهار دارد.
- غار ایوب ۱۳ کیلومتری جنوب دهج
- سوغات شهر یابک: زیور آلات فیروزه، قالیچه، گلیم، انواع محصولات لبنی مانند کشک، ماست، اسپار، روغن و نان محلی کرنون.

رفسنجان، دره راگه

فاصله تا مرکز استان: ۱۰۰ کیلومتر
مدت زمان تقریبی مسیر: ۱ ساعت و ۱۵ دقیقه
وضعیت راههای ارتباطی: همه مسیر کرمان به رفسنجان دوبانده می باشد. راه دسترسی به دره راگه شنی است. دره راگه بخش بالایی رودخانه گیودری است که در جنوب شرقی رفسنجان واقع شده است.
نقاط دیدنی:

- دره راگه، رودخانه گیودری، دره‌ای با عرض ۱۸۰ متر، عمق ۷۰ متر، طول ۲۰ کیلومتر
- موزه مردم شناسی و باستان شناسی رفسنجان
- موزه ریاست جمهوری
- برج شیشه‌ای
- مجموعه تاریخی امارت حاج آقا علی بزرگترین خانه خشتی ایران با مساحت ۷۰۰۰ مترمربع
- مجموعه تاریخی عمارت کلاه فرنگی سعادت‌آباد
- کاروانسرای کیوترخان
- معدن مس سرچشمه در ۵۰ کیلومتری شهر رفسنجان
- سوغات رفسنجان: پسته و خشکبار



شکل ۳: نقشه مسیر کرمان رفسنجان شهر بابک

سیرجان، باغ سنگی

فاصله تا مرکز استان: ۱۷۰ کیلومتر، سیرجان بلورد ۴۳ کیلومتر
مدت زمان تقریبی مسیر: ۲ ساعت
وضعیت راههای ارتباطی: اغلب راههای اصلی دو بانده می‌باشند. بخش کمی از مسیر اصلی حدود ۱۰ کیلومتر در نزدیک کوه پنج تک بانده است.
نقاط دیدنی:

- سیرجان در مسیر کرمان به سمت جنوب و بندرعباس واقع شده است. در فصل بهار پر ترددترین مسیر خودروهای شخصی است.
- ارتفاعات کوه پنج و دیدن جنگل‌های بادام و استفاده از هوای تمیز کوهستانی، فرصتی برای کوهنوردی
- بازارهای متعدد شهر سیرجان برای خرید



شکل ۹: نقشه مسیر کرمان، زرد و کوهبنان

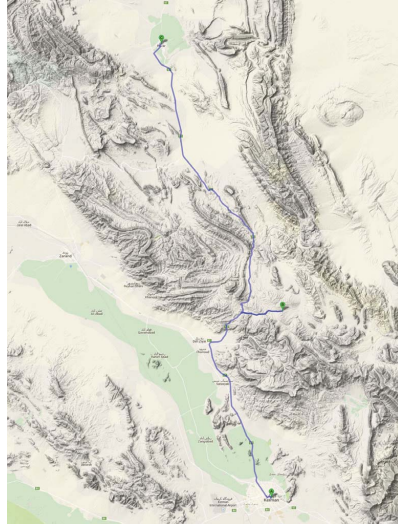
و تک بانده است
نقاط دیدنی:
 - قلعه مخروبه قهقهه، کاروانسرای آب بید، بقعه پیغمبر
 لوت و ابراهیم ادهم واقع در روستای تاریخی حرجند
 سوغات راور: فرش، خشکبار، پسته، خرما.

زرد و کوهبنان

فاصله تا مرکز استان: ۱۸۰ کیلومتر
 مدت زمان تقریبی مسیر: ۲ ساعت و ۴۰ دقیقه
 وضعیت راههای ارتباطی: بجز راه اصلی بقیه راههای
 دسترسی محلی تک بانده هستند.

نقاط دیدنی:

- معادن زغالسنگ، ردپای دایناسورهای ژوراسیک در
 روستای شاهزاده محمد
 - فسیل های تریلوبیت با قدمت ۵۴۰ میلیون سال در
 حاشیه شمالی شهر کوهبنان
 - کوهبنان، زادگاه شاه نعمت الله ولی
 - مقبره آخوند
 - تخت لطیف
 - آسیاب های هشت گانه
 - قنات دو طبقه ایزات
 - جنگل های باستانی اورس دره رود
 روستای صخره ای دره گزک
 در پایان لازم است از همکاری آقای مهندس موسوی در
 تهیه نقشه ها و خانم مهندس طاهری در تهیه مطالب این
 گزارش تشکر و قدردانی نمایم.



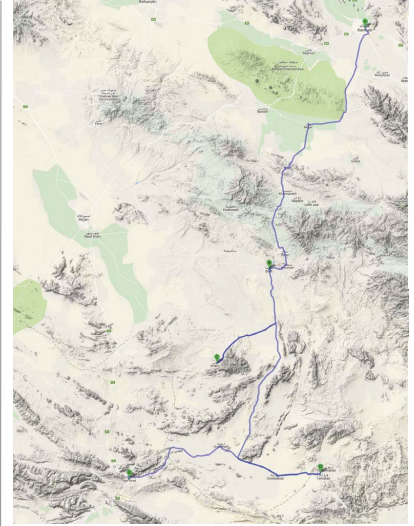
شکل ۱۰: نقشه مسیر کرمان به راور

بافت ابتدا بایستی از مسیر کرمان به سمت جویبار بروید.
 سپس به سمت بهرام جرد و نگار تغییر مسیر می دهید. بعد
 از نگار به سمت بافت از مسیر کوهستانی عبور می کنید.
نقاط دیدنی:

- منطقه گردشگری گوغر، دریاچه و سد بافت در ابتدای
 ورودی شهر بافت، فرصتی مناسب برای قایق سواری و
 ماهیگیری
 - منطقه حفاظت شده کوهستان های خیر، هوای مفرح
 کوهستان، پیاده روی و کوهنوردی
 - چشمه و قنات شاه ولایت، منطقه سرسبز در دامنه
 کوهستان های خیر با سایه درختان کهنسال چنار و باغات
 مشهور و متعدد زیبا و مفرح
 - جنگل های بادام کوهی و بنه حاشیه شرقی
 کوهستان های خیر، مجاور مزار شیخ محمد پرند
 - تپه یحیی صوغان با قدمت ۷۰۰۰ ساله، اکنون از آثار
 تاریخی این مکان تنها یک تپه گلی به ارتفاع ۲۰ متر و قطر
 حدود ۲۰۰ متر به جای مانده است.
 - منطقه گردشگری مجاور زیارت سیدمرتضی
 - غار تورنگ، دهانه غار ۶ متر، طول مسیر قابل پیمایش
 ۵۰۰ متر، غار آهکی و دولومیتی
 سوغات: میوه های تازه، محصولات لبنی، نان محلی

راور

فاصله تا مرکز استان: ۱۵۵ کیلومتر
 مدت زمان تقریبی مسیر: ۲ ساعت و ۳۰ دقیقه
 وضعیت راه های ارتباطی: اغلب راه های دسترسی محلی



شکل ۷: نقشه مسیر کرمان بافت صوغان

بردسیر، تل ابلیس، دشت های گل سرخ لاله زار
 فاصله تا مرکز استان: فاصله تا بردسیر ۶۰ کیلومتر
 مدت زمان تقریبی مسیر: ۱ ساعت
 وضعیت راه های ارتباطی: راه های دسترسی اصلی
 دوبانده و دسترسی های محلی تک بانده است.

نقاط دیدنی:

- دریاچه فصلی ترشاب مکانی برای استراحت و
 ماهیگیری
 - کوهستان بیدخون و درختان کهنسال گردو و
 کوهنوردی
 - تل ابلیس در ۳ کیلومتری ده دشتکار با قدمت ۵۰۰۰
 ساله و محل ذوب مس
 - دشت گل های سرخ لاله زار و استفاده از طبیعت زیبا و
 با صفای کوهستان های لاله زار
 - ارگ بردسیر واقع در مرکز شهر بردسیر
 سوغات بردسیر و لاله زار: محصولات لبنی مانند پنیر،
 کشک، دوغ، روغن، گلاب، گردو و صنایع دستی شامل
 گلیم و فرش.

بافت و صوغان

فاصله تا مرکز استان: فاصله تا بافت ۱۵۰ کیلومتر،
 فاصله بافت تا صوغان ۱۲۰ کیلومتر
 مدت زمان تقریبی مسیر: ۲ ساعت تا بافت و ۴ ساعت
 تا صوغان
 وضعیت راه های ارتباطی: به جز مسیر های اصلی سایر
 مسیر های دسترسی محلی تک بانده است. برای رفتن به



پذیرش آگهی در فصلنامه گردشگری کرمان

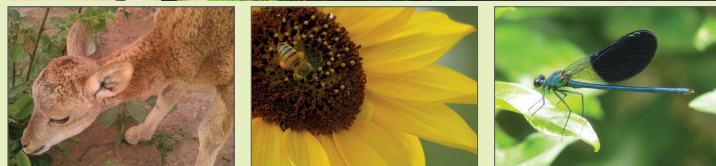
تلفن سفارش آگهی: ۳۲۴۴۲۴۶۷



سفرنامه

اکبر رشیدی مقدم

عضو کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی استان کرمان و کویرشناس



گشت

بهاران

بین این بخش‌ها آنقدر کوتاه است که باور کردنی نیست مانند دره دلفارد که گرم و سرد به هم چسبیده‌اند گویند در باغی یک طرف آن گردو و یک طرف دیگر مرکبات است! اما نکته‌ای که بسیار مهم است این که به بهانه سفر به دل طبیعت رویم و از نسیم جان بخش بهاری استفاده کنیم. آن نسیمی که از کوی یار می‌آید و آهوی بیابان را به جست و خیز می‌آورد.

زکوی یار می‌آید نسیم باد نوری
از این باد آر مددخواهی چراغ دل بیفروزی

یک علامت شادابی آن است که در آغاز بهار چون قاصدک‌ها سبک بار سفر نماییم یا چون سنجاقک‌ها از شاخه‌ای به شاخه‌ای پریم و لحظه‌های زود گذر عمر را دریابیم و دم را غنیمت شمریم.

عزیزان موسم فصل بهاره
چمن پرسبزه، صحرا لاله زاره
دمی فرصت غنیمت‌دان در این فصل
که دنیای دنی بی‌اعتباره
شاید بپرسید که کجا رویم؟ کرمانی‌ها گویند آنجا خوش است که دل خوش است. بنگر تا دلت چه می‌طلبد که استان پهناور کرمان چهار فصل است بخشی از آن گرمسیر و بخشی سردسیر و بخشی دیگر معتدل است و گاه فاصله

در طلیعه بهار و فصل شکوفایی گل و چهچه بلبل، فصل شادابی صحرا و چمن و سرسبزی دشت و دمن، حیف است که از حال طبیعت غافل باشیم.

در چمن هر ورقی دفتر حالی دگر است
حیف باشد که زکار همه غافل باشی
بباید همراه با تحول طبیعت پنجره دل را به بهار جانبخش باز کنیم و چون درختان از خواب زمستانی بیدار شویم، سبز و شاداب به زندگی خود حرارت و طراوت بخشیم.

باز کن پنجره را باز بهار آمده است
بلبل خوش سفر از جانب یار آمده است
آن درختی که جفا کرده بر او باد خزان
سبزگردیده و شاداب به بارآمده است

هر نقطه از استان پهناور کرمان در ایام بهار زیبایی خاص خود را دارد و شرح تک تک جاذبه‌های استان متنی هفت من کاغذ است. اما نگارنده تصمیم دارد به مناسبت آن که صدای پای بهار شنیده می‌شود. دو منطقه را که دارای دو هوای کاملاً متفاوت می‌باشند به عزیزان خواننده معرفی نماید که هر دو آنها حدود ۱۰۰ کیلومتر با کرمان فاصله دارند. شرح منطقه اول تحت عنوان برف بازی نوری و شرح منطقه دوم تحت عنوان گشتی بهاری در ساحل لوت تقدیم خواهد شد.

اسلام می‌دانند. این روستا از شرق به کوه بشم، از جنوب شرقی به کوه قلعه دسکوئیه و از جنوب و جنوب شرقی به کوه بحر آسمان محدود می‌شود آب و هوای روستا، در بهار و تابستان مطبوع و دلپذیر و در زمستان‌ها سرد است. در این روستا، درخت گردوی کهنسالی وجود دارد که براساس برخی مستندات قدمت آن به ۲۰۰۰ سال قبل می‌رسد. رودخانه دائمی بیدخوان که از ارتفاعات اطراف روستا سرچشمه می‌گیرد شادابی و طراوت ویژه‌ای به این ناحیه بخشیده است بیدخوان در ۴۲ کیلومتری جنوب بردسیر واقع است.

اگر خانواده و دوستان شما علاقه به برف بازی دارند، بُندر یخدان و غار یخی در ایام نوروز هنوز برف زمستانی دارد. این غار یخی و بندر یخدان در جنوب شرقی منطقه گردشگری بیدخوان قرار دارد که از جاذبه‌های طبیعی شهرستان بردسیر و استان کرمان محسوب می‌گردد. روستای بیدخوان واقع در شهرستان بردسیر از روستاهای هدف گردشگری ایران است و از نظر آب و هوا یکی از بهترین و خوش آب و هواترین مناطق کشور می‌باشد. روستای بیدخوان پیشینه‌ای کهن و قدمتی دیرینه دارد. مورخان قدمت این روستا را مربوط به دوره‌های پیش از

برف بازی نوری

منطقه گردشگری بیدخوان



گشت بهاری در ساحل لوت

در برنامه ریزی سفرهای بهاری، نگارنده توصیه می‌نماید که سیر و سفر به شهداد و ساحل زیبای لوت را فراموش نکنید که نشاط‌آور است زیرا در این سفر خنکای هوای سردسیری سیرج و کمی بالاتر هوای دلچسب گرمسیر شهداد در پیش است. شهداد و آبادی‌های اطراف آن با هوایی گرمسیری چون فیروزه‌ای در ساحل کویر لوت ایران می‌درخشد و از خواص جالب هوای گرمسیر آن است که فصل کشت نسبت به مناطق سردسیر بسیار زودتر است، چنانچه در بهار به شهداد و روستاهای زیبای آن سفر کنیم سرسبزی نخلستان‌ها و مزارع اعجاب‌آور است. همچنین جنگل گز و نیکاکا در حوالی آبادی‌های تکاب و شمال ده سیف بسیار جذاب است سبزه‌زارهای شهداد به هر بیننده یا زبان حال می‌گویند، خوشا به سعادت آن که در بهاران عمر کوتاه سبزه و گل را دریافت و با خواندن آیات هستی و یاد خدا، خود را مست نمود.

خوش آمد گل وز ان خوشتر نباشد

که در دستت به جز ساغر نباشد

غنیمت‌دان و می خور در بهاران

که گل تا هفته دیگر نباشد

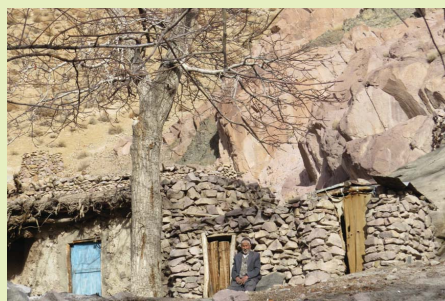
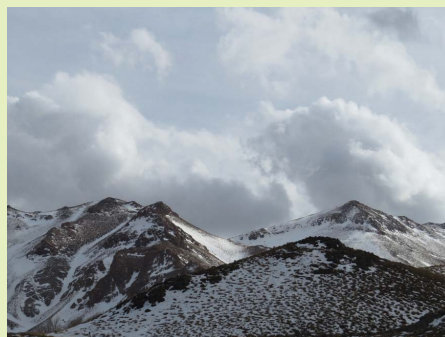
چون از کرمان به سمت شهداد خارج شوید راه به دامنه کوه پلسوار رود و پس از عبور از تونلی طویل به طول ۲۰۰۴ متر به استراحتگاه مسجد ابوالفضل می‌رسید که جوی آب زلال و چنار عظیم ابوالفضلی آن دیدنی است. کمی بالاتر آبادی سیرج است با رودخانه‌ای پر آب و درخت سروی ۸۰۰ ساله و مکان‌هایی که برای سرویس‌دهی به گردشگران آمادگی دارد در مسیر جاده سیرج به شهداد قبل از آن که آبادی سیرج تمام شود سمت راست تابلو آبگرم جوشان به چشم می‌خورد آب تنی در آب گرم جوشان جوش بهاری را افزون و درد مفاصل را تسکین می‌دهد.

بعد از سیرج، جاده شهداد از میان ارتفاعی عبور می‌کند که خلل و فرج زیادی دارد و در گذشته اهالی محل تصور نموده اند که کوه را ملخ خورده است از این رو آن را کوه ملخ خورده نام نهاده‌اند و پس از کوه ملخ خورده جاده به دو راهی اندوهجرد می‌رسد. اندوهجرد شهری قدیمی که در بهار هوایی ملایم دارد بعد از دو راهی اندوهجرد جاده شهداد کم کم وارد دشت می‌گردد در حالی که سمت راست جاده در دور دست نخلستان‌های چهار فرسخ پیداست. بعد از دو راهی چهار فرسخ آنجا که تابلو ۱۰ کیلومتر به شهداد نصب شده دقت نمایید که ۳۰۰ متر نرسیده به این تابلو جاده ایی خاکی در دو طرف جاده وجود دارد اگر به جاده خاکی سمت راست وارد شوید در فاصله ۲۵۰ متری قنات کهن مادی یکی از قدیمی‌ترین قنات‌های ایران با ۶۰ لیتر آب در هر ثانیه قرار دارد.

اگر به جاده خاکی سمت چپ روید در فاصله ۳۰۰ متری رودخانه دائمی و پر آب شهداد با ۶۰۰ لیتر آب در هر ثانیه قرار دارد. صرف صحانه در ساحل رودخانه شهداد یا قنات کهن مادی بسیار دلچسب است و نشاط و دل خوشی را صد چندان می‌نماید.



غار یخی بیدخوان



این آبادی و آبادی‌های اطراف آن مناظر بسیار زیبا و جلوه‌ای ناب از طبیعت را به تصویر کشیده‌اند و جاذبه‌های موجود آن‌ها، هر ساله موجب توجه گردشگران زیادی واقع گردیده به طوری که منطقه بیدخوان به منطقه‌ی نمونه گردشگری تبدیل شده است.

استاندار کرمان در بازدیدی که در سال جاری از بیدخوان بعمل آورد، به نکته‌ای اشاره می‌کند که روستای بیدخوان یک بهشت است که فاصله‌ی کمی با مرکز استان دارد و از همه‌ی هم استانی‌ها درخواست نمود که از این منطقه بازدید کنند و از آب و هوای بسیار خوب و خنک آن و امکانات کشاورزی موجود استفاده کنند.

فاصله بیدخوان تا کرمان حدود ۱۰۰ کیلومتر می‌باشد و چنانچه گردشگران بهاری ۷ کیلومتر از بیدخوان در دره‌ای که به سمت جنوب شرقی می‌رود رانندگی نمایند. به بندر یخی و نهایتاً غار یخی خواهند رسید دامنه غار یخی در ایام نوروز دارای برف و درون غار ستون‌های یخی شگفتی‌آور است.

دره‌ای که از بیدخوان به غار یخی منتهی می‌گردد دارای چند آبادی زیبا و رودخانه‌ای جاری و مملو از درختان گردوست و ایام تعطیلات نوروز فرصت خوبی برای گردشگرانی است که دوست دارند سفر در برف و کوهستان‌های برفی را تجربه کنند گر چه سفر به منطقه بیدخوان با هوایی کوهستانی در تمامی بهار و تابستان هم لذت بخش است. این منطقه علاوه بر گردشگرانی که به صورت خانوادگی به آن سفر می‌نمایند به لحاظ دارا بودن غارهای شگفت‌انگیز و یخدان‌های طبیعی در تمام فصول سال خیل عظیمی از کوهنوردان و غارنوردان را به سوی خود جذب می‌کند.



قلعه رموک



باغ نخل، دولت آباد



رودخانه شهداد



امامزاده زید شهداد



کلوت‌های شهداد

در آبادی ابراهیم آباد و دیگر روستاهای مسیر لذت بخش است. این جاده شما را به پای قلعه شفیع آباد می‌برد که فغانی رو باز در آن جریان دارد. اگر وقتتان اجازه دهد می‌توانید در ۳ کیلومتری این قلعه از قلعه زیارت هم بازدید کنید کمپ کویری در ۱۰ کیلومتری شفیع آباد واقع می‌باشد و خانه‌های روستایی شفیع آباد پذیرای گردشگرانی می‌باشد که قصد ماندن و استفاده از تماشای آسمان پر ستاره کویر را در شب دارند.

گل سرسید دیدار از منطقه شهداد آثار طبیعی منحصر بفرد آن است گرفتن عکسی یادگاری در کنار عظمت کلوت‌های شهداد شیرین است. از شفیع آباد که به سمت کلوت‌ها خارج شوی ابتدا از میان جنگل گز که گزر خوانده می‌شود عبور می‌نمایید. بعد از این جنگل گز ناگهان زمین از هر گونه رویدنی به طرز شگفت‌آوری خالی می‌شود این‌جا ساحل کویر لوت است. زیرا در لغت‌نامه‌ها آمده است که کویر به جایی اطلاق می‌گردد که خاک آن شور و زار است و علت این‌که در این مکان گیاهی نمی‌روید خاک آن شور و نمکین است و در زیر سطح زمین لایه‌ای نمک وجود دارد. ۲۰ کیلومتر بالاتر عارضه‌ای کلوخی است که نقاش هستی با قلم باد و آب برج و باروهایی را ترسیم نموده که در دنیا بی نظیرند. این‌جا کلوت‌های شهداد است که به آن شهر لوت هم گفته می‌شود. چنانچه وقت گردشگران اجازه دهد کمی بالاتر از کلوت‌ها دیدار از کلوتک‌ها (تپه‌های تخم مرغی) و رودشور که از زیر جاده آسفالت شهداد نهندان عبور می‌کند خالی از لطف نیست و گردش در دشت شهداد را تکمیل می‌کند.

در بازگشت صرف نهار در یکی از باغ‌نخل‌های شهداد یا آبادی دولت آباد را هر که فراموش کند ضرر نموده است خرید سوغات شهداد در کالای بی کیفیت چینی نیست این‌جا سوغاتی متفاوت دارد. مانند عرق کاشکیکو(تارونه) که بسیار مقوی است و همچنین خرید ترشی کبرو انواع خرما خصوصا خرمای قصب، کنجد، سدر، حنا، و سسمه و انواع صنایع دستی حصیری و پته ... خرید سوغات در شهداد سفر به ساحل کویر لوت را تکمیل می‌کند. در پایان تذکر دو نکته را ضروری می‌دانم اول آنکه دیدن همه جاذبه‌های دشت شهداد در یک روز امکان‌پذیر نیست باید قبل از سفر برنامه دیدار از جاذبه‌ها را متناسب با زمان مشخص نمایید. تا با کمبود وقت مواجه نشوید. دوم آنکه اگر کسی خواهد که به اعماق کویر سفر نماید و از جاذبه‌هایی چون گندم بریان و ... دیدن نماید، رفتن به عمق لوت با ماشین سواری غیر ممکن می‌باشد و مستلزم ماشین مناسب، راهنمای مسلط، تدارکات کافی و هماهنگی با دستگاه‌های اجرایی و اخذ مجوز دارد.

نوبهار است در آن کوش که خوشدل باشی که بسی گل بدمد باز تو در گل باشی از این‌جا که بگذرد به شهر باستانی شهداد خواهید رسید. شهداد شهر دیرپای تاریخ است و قدمت این دیار به ما قبل تاریخ می‌رسد؛ شهداد از جمله قدیمی‌ترین سرزمین‌های ایران است و یکی از کهن‌ترین تمدن‌های بشری را دارا بوده است. این مکان بیش از ۵۰۰۰ سال قبل محل سکونت و زندگی بوده است.

اولین مکانی که لازم است در شهداد بازدید شود امامزاده زید است زیرا امامزاده زید از نوادگان امام صادق (ع) است و دارای شجره‌نامه‌ای محکم و آرامگه ایشان حدود ۱۰۰۰ سال است که محل آرامش دلهاست. دل آدمی بالاترین گوهری است که خدا بر وی ارزانی داشته است و همانگونه که جسم آدمی نیاز به آسایش دارد دل او نیز به آرامش دارد و این آرامش را می‌توان در مکانی معنوی همراه با ذکر حق کسب نمود. (الا بذكر الله مطمئن القلوب) خوشا به حال آنان که چند دقیقه‌ای را در امامزاده زید گوشه خلوتی اختیار نموده و با مرور اشعاری که بر گرد مقبره دکتر پورحسینی در امامزاده زید نگاشته شده دل را صفا می‌دهند.

از ظلمت آباد عدم یابم ظهور دیگری
گر بردم حق بردلم از فیض نور دیگری
بی او ندانم من کیم گر او نباشد من نیم
او نایمی من چون نیام این هم ظهور دیگری
فیض مکرر می‌رسد نورش زهر در می‌رسد

ازپای تاسر می‌رسد شوقی و شور دیگری
اگر اهل تفکر در آثار گذشتگان هستی دیدار از قلعه رموک از عهد ساسانی، محوطه باستانی شهداد (معروف به شهر کوتولوها) و آسیاب دوقلو (دارای دو تنوره در جبهه شمال غربی، دو سکو، انبار غله و اتاق آسیابان) و آب انبار حاجی محمد ابراهیم و آب انبار حاج محمد تقی (با ۵۲ پله، ۶ بادگیر) را جزء برنامه سفر قرار دهید. دیدار آثار گذشتگان به ما یادآوری می‌نماید که زمان زودگذر است و لحظه‌ها فرصت، فرصتی کوتاه که تا چشم بر هم زنی چون نسیم نو بهار خواهد گذشت.

نو بهار است در آن کوش که خوشدل باشی که بسی گل بدمد باز و تو در گل باشی بعد از شهداد نوبت بازدید از آبادی‌های تکاب و کلوتهاست. چون خواهید که از شهداد به سمت کلوت‌ها روید بهتر است از جاده ابراهیم آباد روید که از انتهای شهر شهداد خارج می‌شود و در طول جاده از آبادی‌های تکاب بازدید کنید دیدن قنات و استخر شجاع‌آباد جنوبی و صرف استکانی چای و دیدار از مزارع شاداب گندم و سیر و سبزیجات و همچنین سیاحتی



معرفی منطقه‌ی گردشگری

فرهنگ خاتمی، مستند ساز / مرضیه پیمانی، کارشناس جغرافیای طبیعی



شگفتی‌های دیدنی آتشفشان «مه گوج»

کرمان مه‌مد زیبایی و مادر طبیعت ایران است. در این استان پهناور از شمال به جنوب نقطه‌ای نمی‌توان یافت که قلم زیبا‌ترین طبیعت از آن عبور نکرده باشد. بیان شگفتی و زیبای طبیعت کرمان به قلم ناتوان است و فقط چشم می‌تواند گویای آن باشد.



گردشگران و علاقمندان به تاریخ به نظر می‌رسد که صد البته نظیر این مکان‌های تاریخی در کرمان و کشورمان کم نیستند.

نزدیک غروب آفتاب به نقطه‌ای که باید از جاده اصلی خارج می‌شدیم و به قول معروف آفرود باید می‌رفتیم، رسیدیم ولی با کمال تعجب دقیقا در همان نقطه خروج از جاده آسفالت جاده‌ای پهن خاکی منتهی به روستایی به نام «تگ فرهاد» و جالب‌تر این که در مرز استانی کرمان برخوردیم در کنار تابلو روستای تگ فرهاد چند نفر از افراد محلی ایستاده بودند با پرس و جو از آنها متوجه شدیم که مقصد ما نیز از همین روستا می‌گذرد.

شب را در نزدیکی جاده و در دل بیابان چادر زدیم. صبح روز بعد با کمک محلی‌های روستای تگ فرهاد به سمت گودال‌ها به راه افتادیم. زمین اطراف جاده خاکی همه از سنگ‌های آتشفشانی و بازالت پوشیده شده و اگر این جاده نبود صد در صد باید پیاده‌روی می‌کردیم چون امکان ماشین رفتن آن‌هم با آن همه سنگ‌های بزرگ سیاه امکان پذیر نبود.

نزدیک ظهر پس از طی تقریباً ۳۰ الی ۴۰ کیلومتر به چاله بزرگ رسیدیم واقعا شگفتی‌های زمین تمامی ندارد گودالی عظیم با سنگ‌های غول پیکر در کف آن گویی زمین دهان باز کرده و این سنگ‌های بزرگ را بلعیده. پس از بررسی و نمونه‌برداری توسط زمین شناس آقای دکتر قطبی استاد دانشگاه کرمان مشخص شد که این گودال بزرگ زمانی فواره‌ای آتشفشانی با گدازه‌های سوزان بوده که در این منطقه علاوه بر این، ۱۱ دهانه دیگر نیز موجود می‌باشد که البته آن دهانه‌ها با کفه نمکین بوده ولی این دهانه به علت فرونشست لایه زیرین این چنین زیبا تغییر شکل داده است.

البته لازم به ذکر است که در نگاه اول به نظر می‌رسد که این گودال بزرگ در اثر برخورد شهاب سنگی بزرگ ایجاد شده باشد به علت شکل دایره‌وار و متقارن آن ولی در بازدید میدانی علت همان فرونشست لایه‌های زیرین زمین اثبات گردید.

نام این آتشفشان زیبا «مه گوج» نام دارد و یکی دیگر از دهانه‌ها «کماج» نامیده می‌شد که این اسامی در هیچ کتاب زمین شناس و نقشه‌ای ثبت نگردیده است.

طی سال ۱۳۹۱ مهندس مجید خاتمی (پژوهشگر) طی بررسی عکس‌های هوایی و نقشه گوگل ارث به چاله‌ای عظیم در ۸۰ کیلومتری غرب کوه بزمان برخورد نمود. بعد از بررسی و پرس و جو مشخص شد که هیچ گونه اطلاع جغرافیایی و زمین شناسی در مورد این چاله بزرگ در دانشگاه‌های استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و کرمان وجود ندارد و حتی اساتید زمین شناسی نیز از وجود آن بی‌اطلاع بودند.

طبیعت، سراسر آینده از ناشناخته‌ها و پدیده‌های پر راز و رمز است؛ بسی سادگی است که بپنداریم زمین و محیط زیست خود را خوب می‌شناسیم، یا بدتر از آن، بر این پندار اشتباه‌آمیز باشیم که می‌توانیم بر این محیط چیره گردیم. تنها اطلاعات موجود عکس‌های هوایی و نقشه‌ها بودند که طبق آن موقعیت این گودال را در استان سیستان نشان می‌داد بدون هیچگونه جاده دسترسی و باید جهت بازدید میدانی دل به کیلومترها زمین سنگلاخی سپرد.

کویرنوردان کرمانی برآن شدند تا جهت کسب اطلاع و بازدید از گودال‌ها و علت تشکیل آنها بازدید میدانی از منطقه انجام دهند. لذا تیمی متشکل از کویرنوردان کرمانی، مشهدی و تهرانی و زمین شناسان دانشگاه کرمان که حدوداً سیزده نفر می‌شدند طی آبان ماه ۱۳۹۳ راهی منطقه شدند. مسیر از جاده کرمان بم آغاز می‌شد و طبق مختصات جغرافیایی تا نزدیکی بزمان مشکلی از لحاظ مسیر نبود.

صبح حدود ساعت ۹ از کرمان به راه افتادیم. بعد از چند ساعت رانندگی در محلی بنام روستای پشت قلعه نزدیک به دو راهی بم جیرفت استراحتی کوتاه داشتیم.

قلعه‌ای سیاه رنگ بر دامنه کوهی کم شیب و قبرستانی قدیمی آثاری بودند که آدمی را از گذر زمان و تاریخ کهن این مرز و بوم آگاه می‌ساخت البته از قلعه دیوارهایی چنگ خورده از آب و باد چیزی بیش به جای نمانده بود که گویای زندگی رفتگان باشد.

اما نکته جالب در مورد قبرستان این بود که تاریخ فوت روی تمامی قبرها سال ۱۳۳۷ که به احتمال قوی منظور هجری قمری می‌باشد، بود که گویا این افراد یا در جنگی محلی یا بر اثر حادثه طبیعی از دنیا رفته‌اند و جالب‌تر این که روی قبرها شغل افراد نیز توضیح داده شده بود.

خلاصه اینکه مکانی جالب با پتانسیلی عالی جهت مراجعه



است.

به معرفی سنگ‌های موجود در منطقه پرداخته می‌شود. بازالت یک سنگ سخت و سیاه و دانه‌ریز آتشفشانی با کمتر از ۵۲ درصد سیلیس (SiO₂) می‌باشد که به علت کمبود سیلیس، سنگی قلیایی است. آندزیت به انگلیسی: (Andesite) نوعی سنگ آتشفشانی است که وجود فنوکریست‌های پلاژیوکلاز، پیروکسن و گاه الیوین در خمیره‌ای غنی از پلاژیوکلاز از مشخصات آن است.

آندزیت‌ها پس از بازالت‌ها فراوان‌ترین سنگ‌های آتشفشانی محسوب می‌شوند. از ۷۲۱ آتشفشان فعال جهان، ۴۴۲ آتشفشان به آندزیت‌ها تعلق دارند. آتشفشان‌های آندزیتی اغلب از شدت زیادی برخوردار هستند.

سنگ‌های آندزیتی اغلب به همراه بازالت‌های کالکواآلکان، داسیت‌ها و ریولیت‌ها یافت شده و محیط‌های فرورانش، به‌ویژه هنگامی که فرورانش از نوع پوسته اقیانوسی-قاره‌ای باشد، بروزدهای وسیعی را شامل می‌شوند.

داسیت‌ها معمولاً با حرارت بین ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ درجه سانتیگراد فوران می‌کنند. داسیت یکی از متداول‌ترین سنگ‌های فوران نوع پلینی است. هنگامی که داسیت‌های دارای گاز کم به سطح آتشفشان می‌رسند، جریان، گدازه مدور و ضخیمی را تشکیل می‌دهد که به شکل گنبد است. داسیت اغلب به رنگ خاکستری روشن است، اما ممکن است خاکستری تیره تا سیاه هم باشد. گدازه‌های داسیتی حدود ۶۳ تا ۶۸ درصد سیلیس (SiO₂) دارند.

نکته قابل تأمل دیگری که در این منطقه توجه ما را جلب نمود اسکلت خانه‌هایی بود که نه شبیه به منزلگاه بومیان بود و نه خانه‌ای که در تصور ماست. این اسکلت‌ها خانه‌های معروف مسکن مهر هستند که در زمان احمدی‌نژاد جهت عشایر قرار بوده ساخته شود که این چنین نیمه تمام باقی مانده و اعتباری برای تکمیل آنها نیست و تنها خراب شدن چهره بکر طبیعت دستمایه آن بوده است.

جای جای این مرز و بوم سرشار از مناظر بکر و زیباست که تنها با یک برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بهینه می‌توان این مناطق را تبدیل به قطب جهانگردی نمود ولی متأسفانه به جای بهادادن چنگ بر آن می‌کشیم و چهره آن را خراب می‌کنیم.

افسانه و داستان بسیار جالبی در مورد این آتشفشان و چگونگی شکل‌گیری آن‌ها بر سر زبان‌ها بود که زمانی دور فرهادی تومند و غول‌پیکر می‌زیسته که یک گوشش بالش و گوش دیگر لحافش بوده است. روزی فرهاد در گودالی کماجی پخته (دهانه کماج) سپس بلند شده و یک پایش را در یک طرف و پای دیگرش را در طرف دیگر قرار داده و میلی از زمین کنده (دهانه مه گوج) و بر بالای کوهی قرار داده است (میل فرهاد که از آن ناحیه به خوبی دیده می‌شد). داستان جالبی است و با دهانه مخروطی شکل مه گوج جور در آید.

گزارش زمین‌شناسی منطقه که توسط آقای دکتر قطبی تهیه گردیده است به شرح ذیل می‌باشد:

کوه مه گوج در ۱۳۷ کیلومتری جنوب‌شرقی شهرستان بهم و ۱۷۲ کیلومتری شمال غرب شهرستان ایرانشهر قرار گرفته و از مناطق جنوبی استان کرمان محسوب می‌گردد. با بررسی تصاویر ماهواره‌ای منطقه، حدود ۱۲ اثر شبیه به این گودال قابل شناسایی است.

بیشترین ارتفاع دهانه مربوط حاشیه جنوب‌غربی (۱۲۴۰ متر) و کم‌ترین ارتفاع مربوط به حاشیه شمال شرقی دهانه (۱۱۵۴ متر) بوده و اختلافی حدود ۸۶ متر را نشان می‌دهد. عمیق‌ترین بخش مرکزی این گودال ارتفاع ۱۰۵۴ متری را نشان می‌دهد. به این ترتیب عمق گودال مه گوج حدود ۱۹۰ متر تخمین زده می‌شود و قطر این گودال نیز در حدود ۶۰۰ متر است. در اطراف دهانه سنگ‌های متنوعی از جنس بازالت و آندزیت و به مقدار کمتری داسیت مشاهده می‌گردد. اکثر بازالت‌ها دارای بافت متخلخل و بادامکی هستند که حفرات اکثراً توسط کلسیت و سیلیس پر شده‌اند. وجود حفرات فراوان در سنگ‌های منطقه و متخلخل بودن آنها نشان از وجود گاز فراوان در ماگما تشکیل دهنده این سنگ‌ها می‌باشد که هنگام خروج از ماگمای در حال سرد شدن در حاشه جنوب غرب گودال که بیشترین ارتفاع را نیز به خود اختصاص داده لایه‌هایی سنگی مشاهده می‌شود که در نگاه اول رسوبی به نظر می‌رسند ولی پس از نمونه‌برداری متوجه می‌شویم که این لایه‌های سنگی رسوبی نبوده و متعلق به سنگ‌های آذرین بازالتی و آندزیتی می‌باشند که حاکی از مراحل متفاوت عملکرد آتشفشانی دارند این نوع از آتشفشان‌ها بدلیل شبیه بودن به لایه‌های رسوبی «استراتوولکان» نامیده می‌شوند. در دامنه جنوب غربی گودال شاهد چین خوردگی لایه‌های هستیم که بیشترین میزان ریزش را نیز در همین بخش شاهدیم، با توجه به این مسئله شاید بتوان دلیل چین خوردگی لایه‌ها را به این مسئله مرتبط دانست که بدلیل خالی شدن بخش‌های زیرین و فشار طبقات فوقانی این چین خوردگی به تدریج در طبقات فوقانی رخ داده است. گرچه آثار ریزش تحت تاثیر نیروی وزن طبقات سنگی در منطقه بوفور دیده می‌شود و طبق اظهار نظر افراد محلی در سالیان گذشته بخش زیادی از این گودال توسط سنگ‌های ریزشی اطراف پر شده است.

با توجه به نوع سنگ‌های موجود در منطقه و هم‌چنین شکل این گودال، می‌توان این گودال و انواع مشابه با آن‌را در منطقه به پدیده‌های آتشفشانی بویژه آتشفشان «زمان» نسبت داد. این دهانه آتشفشانی یکی از چندین دهانه موجود در منطقه است که بواسطه خالی شدن بخش‌های زیرین و ریزش دهانه شکل زیبایی به خود گرفته



گفت و گو

مهدیه جعفری

کارشناس ارشد علوم ارتباطات

روستاهای هدف گردشگری که دیگر روستانیستند

گفت و گو با محمد جهانشاهی کارشناس اکوتوریسم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان و عضو جامعه بین المللی اکوتوریسم

است به طوری که منابع ارزشمند طبیعی در روستاها از جمله آب و خاک تحت تاثیر رفت و آمدهای تعریف نشدهی گردشگران یا در حال نابودی بوده و یا در مسیری غیر تولیدی قرار گرفته است.

این کارشناس اکوتوریسم در این باره توضیح می‌دهد: شکل و شمایل مناطق روستایی در اثر ساخت و سازهای غیراصولی و نامتناسب با بافت و اقلیم روستا، رفته رفته در حال تغییر شکل است و هویتی پیدا کرده که نه شهری است و روستایی. دلیل به وجود آمدن این وضعیت ناشی از برنامه‌ی توسعه گردشگری در مناطق بیابانی و عشایری روستاها طی سالیان گذشته بوده است که هرچند عملی مناسب و هدفی خوب ارزیابی شد اما با بی‌برنامگی و گرفتن تصمیمات لحظه‌ای، مسیری انحرافی به وجود آورد که فاصله زیادی با محور توسعه پایدار داشت.

وی دلیل این اتفاق ناخوشایند را مشخص کردن روستاهای هدف گردشگری و مناطق نمونه گردشگری و تبلیغ در این رابطه ذکر و خاطر نشان می‌کند: این مشکل از دل برنامه توسعه گردشگری روستای بیرون آمد که موجب سرازیر شدن جمعیت زیاد گردشگران به این مناطق شد و نه تنها رونق گردشگری به دنبال نداشت بلکه نظم و هارمونی این مناطق را برهم زد.

جهانشاهی ضمن ابراز تاسف از وضعیت موجود می‌گوید: توسعه گردشگری را برپایه اصولی میدانیم که یک روستا مسیر اصلی خود را به عنوان مولد در پیش گیرد و در کنار آن گردشگری نقش حمایت کننده را در مسیر توسعه روستا داشته باشد. بدین معنی که زندگی روزمره روستایی هم‌چنان بر پایه کشاورزی و دامداری ادامه یابد و در کنار آن گردشگری در فصولی که فعالیت کشاورزی کمتر است این خلاء را پر کند آن هم در قالبی که بنیان‌ها ارزش‌های منطقه حفظ شود نه این‌که به سرعت یک منطقه ارزشمند روستایی به مکانی برای ویلاها و خانه‌های دوم شهرشینان تبدیل گردد و زمین‌های کشاورزی به استخرها و فضای سبز املاک تغییر کاربری دهند.

وی در ادامه به کشور نمونه توسعه گردشگری روستایی در کشوری چون «بوتان» در جنوب شرق آسیا اشاره می‌کند و می‌گوید: این کشور که در واقع یک روستایی بزرگ محسوب می‌شود هیچ راه ورودی به آن به جزء ورود از طریق تورهای گردشگری با تعداد مشخص و مسیرهای تعیین شده وجود ندارد. همچنین در ایالت «باتان» هندوستان تنها تعداد مشخصی گردشگر می‌توانند وارد مناطق روستایی شوند که قبل از آن نیز توصیه‌هایی به گردشگران در مورد برخورد و طرز رفتارشان به آن‌ها گوش زد می‌شود هم‌چنین این منطقه با توجه به این‌که هر ساله پذیرای تعداد مشخص گردشگر است دست نخورده باقی

برحیات وحش و گردشگری روستایی قرار گرفته است و با توجه به تاثیرات سوء حضور بیشتر گردشگران برحیات وحش و نیز فرایندهای بومی‌گری، مسولان و مقامات این کشورها سقف معینی برای تعداد گردشگران در نظر گرفته‌اند و آن را با حساسیت خاص دنبال می‌کنند.

بر این اساس با توجه به رشد ۳۰ درصدی گردشگری روستایی به عنوان زیرمجموعه‌ای از بخش اکوتوریسم و یا بوم‌گردی، کارشناسان توریسم آن را یکی از برترترین بخش‌های صنعت گردشگری دنیا معرفی می‌کنند که ناشی از اشتیاق مردم برای خروج از فضاهای خسته‌کننده شهری و روی آوردن به مناطق روستایی است.

اما به راستی برای رسیدن به هدف مطلوب گردشگری روستایی چه باید کرد؟ آیا هجوم گردشگران می‌تواند بدون آسیب‌زدن به هویت روستاها به رونق و توسعه‌ی این مناطق کمک کند؟

محمد جهانشاهی کارشناس اکوتوریسم سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان و عضو جامعه‌ی بین‌المللی اکوتوریسم در این گفتگو، حرکت در مسیر توسعه گردشگری روستایی را مستلزم مطالعه و درک صحیح از موقعیت و حساس بودن این مناطق می‌داند و تصریح می‌کند: با توجه به اهمیت نقش تولیدی روستاها و نیز اهمیت ارزش‌های فرهنگی و انسانی موجود در این مناطق، نباید بدون در نظر گرفتن الگوهای توسعه‌ای پایدار و متناسب با شرایط روستاها، نگاه کوتاه مدت و سطحی به برنامه‌های گردشگری روستایی داشته باشیم زیرا وضعیت فعلی روستاهای کشور به خصوص استان به ما نشان می‌دهد که چگونه با اقدامات ناصحیح، کالبد ارزشمند بسیاری از روستاها تحت تاثیر توسعه گردشگری متداول و نامناسب به سمت بی‌هویتی دردآوری تغییر پیدا کرده

صنعت مسافرت و جهانگردی به عنوان بزرگترین و متنوع‌ترین صنعت در دنیا موجب شده تا بسیاری از کشورها آن را به عنوان منبع اصلی درآمد، اشتغال‌زایی، رشد بخش خصوصی و توسعه ساختار زیربنایی خود قلمداد کنند که البته با تخصصی شدن گردشگری فرصت بیشتری فراهم شده تا هر کشور و یا منطقه‌ای برای بهره جستن از منافع حاصل از گردشگری امیدوارتر باشد.

اما باید به این نکته توجه کرد که تیلور یافتن گردشگری در جهت توسعه‌ی جوامع، به طور حتم بدون شناسایی عوامل تاثیر گذار، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک امکان‌پذیر نخواهد بود زیرا به استناد تعاریف سازمان جهانی جهانگردی، پیش نیاز توسعه‌ی پایدار گردشگری، تلفیق و هماهنگی اهداف اقتصادی، زیست محیطی، اجتماعی و فرهنگی بوده و این امر مضمّن تامین منافع دراز مدت جامعه میزبان گردشگران میهمان و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی است.

اکنون با توجه به رشد ۵۰ درصدی گردشگری طی یک دهه در دنیا، نقش گردشگری در توسعه کشورها بیش از گذشته نمایان شده است و با توجه به این‌که این صنعت می‌تواند یکی از قوی‌ترین ابزارها برای کاهش بسیاری از مشکلات جامعه امروز باشد بنابراین با توجه به اهمیت گردشگری می‌توان گفت که امروزه توسعه گردشگری روستایی یا توریسم روستایی به عنوان راهکاری در جهت توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی نیز محسوب می‌شود.

اما توسعه همواره با موانعی نظیر موانع ساختاری، زیربنایی، اجتماعی- فرهنگی و آموزشی روبرو است که ابتدا باید آن‌ها را شناسایی و عوامل موثر در توسعه گردشگری روستایی را شناخت.

اهمیت روستاها از آن‌جا ناشی می‌شود که بسیاری از کارشناسان گردشگری آن را به عنوان یکی از مناطق جغرافیایی مولد و گنجینه‌های فرهنگی یک جامعه قلمداد می‌کنند که می‌تواند نقش غیرقابل انکاری در توسعه و رشد یک کشور داشته باشد به طوری که بسیاری از کشورهای در حال توسعه اهمیت جوامع روستای خود را بسیار جدی گرفته‌اند و بیش از ۸۰ درصد کشورهای فقیر درآمد خود را بر مبنای گردشگری روستایی پایه‌گذاری کرده‌اند. در آفریقای جنوبی، مرکزی و آسیای جنوب شرقی که بیشتر کشورهای فقیر را در برمی‌گیرند اکنون با کمک نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان جهانی جهانگردی مطالعات و برنامه‌ریزی‌های مدونی در جهت توسعه گردشگری روستاهای آن‌ها صورت گرفته و نتیجه بسیار خوبی داده است به طور مثال در کشور «کنیا» که یکی از کشورهای در حال توسعه از لحاظ جذب گردشگر است محور توسعه

در صنعت گردشگری، برگ برنده از آن کشورهای است که از درجه‌ی این صنعت می‌توانند به بخشی از اهداف اقتصادی، فرهنگی و یا حتی سیاسی به آسانی دست پیدا کنند. در این راستا، گردشگری روستایی و عشایری، کلید طلایی‌های حساب می‌آید که در بازار مدرنیته و عصر کامپیوتر، زندگی طبیعی را در معرض دید همگان قرار می‌دهند گردشگری روستایی در ایران، صنعت جوانی است که نیاز به برنامه‌ریزی و شناسایی بیشتر مقاصد هدف دارد.



این راهکارها فرصتی برای اجرای درست روند گردشگری روستایی در جهت توسعه آن روستاها فراهم شود. وی از مناطق نمونه گردشگری روستایی کشور به روستای گرمه در کویر مرکزی ایران اشاره می‌کند و می‌افزاید: در منطقه شفیع‌آباد شهرداد کرمان نیز کارهای مؤثری برای گردشگری روستایی با همکاری نهادهای بین‌المللی و خود مردم انجام شده که با راه‌اندازی اکو موزه روستایی در منطقه شفیع‌آباد و تکاو شهرداد امیدواریم این پروژه به عنوان الگوی گردشگری روستایی کشور معرفی شود.

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده می‌بینیم که روستاهای کرمان با دارا بودن جاذبه‌ها و امکانات، آب و هوای متنوع و گسترده هر چند قابلیت‌های فراوانی برای گردشگری روستایی دارند اما هم‌چنان مورد بی‌مهری برنامه‌ریزان و مسؤولان گردشگری هستند که البته این وضعیت مختص استان کرمان نیست. حفظ ارزش‌های فرهنگی، پاسداشت بناهای تاریخی روستاها، حفاظت از گونه‌های خاص گیاهی و جانوری و... برخی از پیامدهای مثبت گردشگری روستایی در ایران هستند و از دیگر سو ایستایی فرهنگی و تبدیل فرهنگ روستاها به نوعی موزه، تضعیف برخی مشاغل روستایی به ویژه در عرصه کشاورزی، بعضاً رواج گسترده فرهنگ گردشگران در میان جوانان روستایی و... در مقابل توانمندی‌های گردشگری روستایی قرار می‌گیرد.

بنابراین گردشگری روستایی با همه توانمندی‌هایی که دارد، اگر بدون برنامه‌ریزی درست و کارآمد باشد می‌تواند پیامدهای منفی غیر قابل جبرانی را در پی داشته باشد برای توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم (از جمله ایران) باید به مسائل زیست محیطی توجه بیشتری داشت؛ چون در صورت عدم توجه به این مقوله، توسعه و به خصوص توسعه پایدار روستایی تحقق نمی‌یابد و فقط شاهد پیامدهای مخرب زیست محیطی خواهیم بود.

درصنعت گردشگری، برگ برنده از آن کشورهایی است که از دریچه‌ی این صنعت می‌توانند به بخشی از اهداف اقتصادی، فرهنگی و یا حتی سیاسی به آسانی دست پیدا کنند. در این راستا، گردشگری روستایی و عشایری، کلید طلایی کشورهایی به حساب می‌آید که در بازار مدرنیته و عصر کامپیوتر، زندگی طبیعی را در معرض دید همگان قرار می‌دهند گردشگری روستایی در ایران، صنعت جوانی است که نیاز به برنامه‌ریزی و شناسایی بیشتر مقاصد هدف دارد. در سال‌های اخیر شاهد تلاش‌های جسته و گریخته‌ای برای توسعه گردشگری روستایی هستیم ولی تا رسیدن به حد مطلوب راه درازی در پیش است.

منابع:

- ۱- گی، چاک وای و فایوسولا، ادواردو (۱۳۸۸)، جهانگردی در چشم‌اندازی جامع، ترجمه علی پارسیان و محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ویراست دوم، چاپ هفتم.
- ۲- اردستانی، محسن (۱۳۸۷)، گردشگری روستایی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات.
- ۳- گوهری، محمدرضا (۱۳۹۰)، «پیش‌گفتاری بر اثرات جهانگردی»، در وب‌سایت انسان‌شناسی و فرهنگ.

روستاهای کرمان با دارا بودن جاذبه‌ها و امکانات، آب و هوای متنوع و گسترده هر چند قابلیت‌های فراوانی برای گردشگری روستایی دارند اما هم‌چنان مورد بی‌مهری برنامه‌ریزان و مسؤولان گردشگری هستند که البته این وضعیت مختص استان کرمان نیست. حفظ ارزش‌های فرهنگی، پاسداشت بناهای تاریخی روستاها، حفاظت از گونه‌های خاص گیاهی و جانوری و... برخی از پیامدهای مثبت گردشگری روستایی در ایران هستند.

هزارنفر بهتر بود یا پانصد نفر؟ وی می‌گوید: گردشگری روستایی موجب کاهش فقر، جلوگیری از مهاجرت، افزایش رفاه و امکانات روستاییان، ایجاد اشتغال و افزایش رضایت روستاییان از محل زندگی خود می‌شود که متأسفانه با توجه به مشکلات پیش آمده مسیری در پیش گرفته شده که فاصله زیادی با این معیارها دارد. بنابراین برای این که گردشگری روستایی با حفظ تمامیت فرهنگی، هویتی، اجتماعی و اقتصادی به افزایش کیفیت زندگی روستاییان منجر شود نیازمند مطالعه، برنامه‌ریزی و اجرای دقیق است. وی از اقدامات فوری برای جلوگیری از آسیب بیشتر به مناطق گردشگری روستایی به محدود کردن رفت‌وآمدها و گرفتن عوارض ورودی اشاره می‌کند و می‌گوید: همچنین بهتر است تبلیغات برای روستاهای آسیب دیده از سوی رسانه‌ها و نهادهای دیگر متوقف شود و با تمرکززدایی از فشار گردشگران بر یک منطقه کاسته گردد همچنین در روستاها اقدامات زیرساختی برای ورود گردشگران تعبیه شود و فرهنگ پذیرش گردشگر در بین روستاییان رواج و از طرفی آموزش‌ها و هشدارهای لازم به گردشگران ارائه شود.

جهانشاهی در ادامه بر لزوم بررسی مسیرهای طی شده و استفاده از تجربیات کشورهای دیگر و همچنین همکاری نهادهای علمی تأثیرگذار در این راه تأکید و تصریح می‌کند: پیشنهاد می‌شود در استانداری اعتباراتی برای مناطق گردشگری روستایی در نظر گرفته شود و روستاهای هدف گردشگری مورد حمایت قرار گیرند و در کنار وظایف سازمان میراث فرهنگی سایر ارگان‌ها از جمله سازمان مسکن و شهرسازی طرح‌های مناسبی را برای روستاها ارائه دهد. برای تحقق این هدف در وهله اول نیاز به تشکیل یک کارگروه با همکاری همه نهادهای مسوول را داریم تا مشکلات مربوط در مناطق روستایی هدف گردشگری را شناسایی و برای رفع مشکلات آن برنامه‌ریزی کنیم که این امر مستلزم قرار گرفتن در بطن جامعه روستایی است تا از خود اهالی روستا برای انجام اقدامات و برنامه‌ریزی‌ها کمک بگیریم.

وی با اشاره به تنوع اقلیمی و فرهنگی استان کرمان از شناسایی ۴۳ منطقه نمونه گردشگری در استان کرمان خبر داده و خاطر نشان می‌کند: از این تعداد مناطق نمونه ۹۰ درصد آن روستاها هستند که اکثر آنان تحت تأثیر روند نامناسب گردشگری قرار دارند که امیدواریم با به‌کارگیری

مانده است. این عضو جامعه بین‌المللی اکوتوریسم ادامه می‌دهد: این برنامه‌ریزی دقیق نشأت گرفته از وجود حساسیت مدیران بومی این مناطق است که می‌توان بر پایه آن ابراز امیدواری کرد که جغرافیای ارزشمند این روستاها هم‌چنان بر پایه‌ی اصول و بنیان‌های خود پیش رود و توسعه پیدا کند چیزی که در روستاهای ایران به خصوص در استان کرمان وجود ندارد چراکه اکنون بسیاری از روستاها تحت تأثیر بی‌برنامگی‌ها ارزش‌های خود را از دست داده و تبدیل به فاجعه بومی شده‌اند مانند روستای زیارت استان گلستان و روستاهای دلفراد و لاله‌زار استان کرمان که این مناطق نمونه‌هایی هستند که تحت تأثیر فشار گردشگران دچار مشکلات عدیده‌ای شده‌اند.

وی به تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی، افزایش چشم‌گیر قیمت‌های کاذب زمین‌ها و آسیب وارد آمدن به منابع آب، خاک و محیط زیست در مناطق گردشگری روستایی اشاره می‌کند و می‌افزاید: بسیاری از زمین‌های کشاورزی که روزی بسترهای اصلی تولیدات کشاورزی بوده‌اند هم اکنون به ویلاهای مسکونی تبدیل شده‌اند مثلاً در لاله‌زار ویلاهایی با سقف‌های شیروانی رنگارنگ دیده می‌شود که آب‌قنات‌ها را برای مصارف تفریحی به داخل خود کشانده و کشاورزی ارگانیک این روستا را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

جهانشاهی ادامه می‌دهد: به غیر از لاله‌زار، کوهپایه (ده لولو)، سیرج، منطقه شاه ولایت خبر، بندرهنزا، خیر بافت، بیدخون بردسیر و دلفراد جیرفت دچار آسیب شده‌اند به خصوص دلفراد که تحت تأثیر تبلیغات، طی ۶ سال گذشته جمعیت قابل توجهی به آنجا هجوم آوردند که نتیجه این تردهای تعریف نشده را می‌توان در انبوه زباله‌های رها شده، ساخت و سازهای نامتناسب با محیط فرهنگی روستا، و افزایش بزهکاری دید همچنین با توجه به نبود سرویس بهداشتی، فقدان برنامه‌ای برای مدیریت پسماندها و به دنبال آن ناتوانی دهیاری و مسولان محلی در مدیریت این جریان، به زودی شاهد آلوده شدن رودخانه و فاجعه‌ی زیست محیطی و بومی در این روستا خواهیم بود.

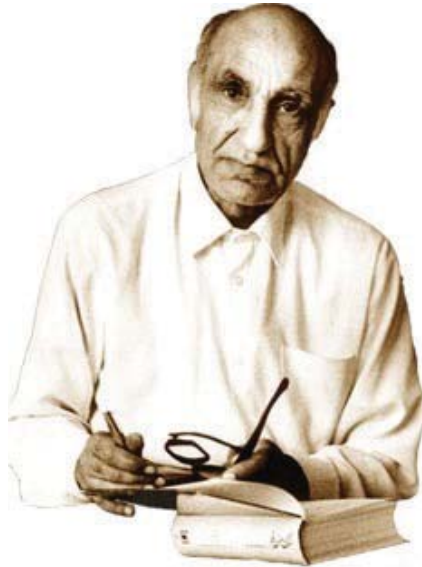
وی از مناطق آسیب‌پذیر دیگر به بندرهنزا و تخت سرتشتک رابر اشاره می‌کند و می‌گوید: این دو روستا نیز به دلیل وجود زیبایی بسیار خیره‌کننده از مناطق منحصر به فرد جنوب شرق استان هستند که متأسفانه تحت تأثیر گردشگری انبوه با آلودگی و تخریب محیط زیست مواجه‌اند و ویلاسازی‌ها هویت آنها را از بین برده‌اند.

این کارشناس اکوتوریسم ضمن ابراز تأسف از وجود مشکلاتی چون تغییر در بافت و معماری روستاها، تغییر کاربری زمین‌ها، تورم کاذب در قیمت ملک و املاک و به دنبال آن فروش زمین‌ها و کاهش فعالیت کشاورزی، مهاجرت روستاییان به شهرها، آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از گردشگری بی‌برنامه و غیراصولی، بزرگترین مشکل را عدم آگاهی و درک برنامه‌ریزان گردشگری نسبت به این حوزه می‌داند و تصریح می‌کند:

این افتخار نیست که روستاها تبدیل به منطقه تفریحی و گردشگری شوند که دیگر روستا نیستند ما نمی‌توانیم دل خوش کنیم که به جای پانصد نفر، الان هزار نفر به لاله‌زار می‌روند باید ببینیم با توجه به مشکلات فعلی لاله‌زار،



ارگ بزم



روزهای پایانی سال ۱۳۹۳ را می گذرانیم، در ایامی که پشت سر گذاشتیم بزرگان بسیاری را از دست داده ایم. یکی از آنها هم ولایتی ادیب و دانشمند خودمان بود، مردی بزرگ با عشق و علاقه‌ای عجیب و مثال زدنی به شهر و دیارنش، دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی، انسان فرهیخته و متواضعی که قسم خورده بود هرگز در جایی سخنی نگوید و مطلبی ننویسد مگر اینکه نامی از کرمان و کرمانی در آن باشد، در فروتنی و عشق و تعصب او به ولایتش همین بس که وقتی برای اولین بار عصا به دست می گیرد دوستی از او می پرسد عصای پیری است؟ و او پاسخ می دهد: «نه این عصا را از چوب درختان سر به فلک کشیده پاریزی سفارش داده‌ام تا در زندگی راهبر و راهنمایم باشد و از یاد نبوم فرزند کدام سرزمین هستم.»

دکتر محمد ابراهیم باستانی پاریزی در پنجم فروردین ماه ۱۳۹۳ دیده از جهان فروبست. زمان زیادی به سالگرد درگذشت او نمانده است، به حکم وظیفه و برای اینکه یاد او را گرامی بداریم مناسب دیدیم آخرین شماره فصلنامه که به نوعی ویژه نوروژ هم هست مطلبی را در مورد ارگ بزم، به قلم خودش تقدیم کنیم.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

کجاران را مرکب از پیشوند کیج، قیز، قز نیز دانست که پیله ابریشم باشد. آیا داستان رشتن و بافتن دختران هفتواد به دولت کرم یک افسانه سمبلیک از دست یافتن این حاکم مقتدر به صنعت ابریشم و قز، پیش از نواحی دیگر ایران، نمی تواند بوده باشد؟ در این صورت ارتباطی میان این نام با نام قزدار (=قصدار) نیز که شهرکی بوده است در بلوچستان - مرز هند- شاید بتوان پیدا کرد. اگر نسبت حکومت هفتواد در ارگ بزم درست باشد، نخستین تعمیرات قلعه که بدان آگاهی داریم مربوط می شود به حوالی سال ۲۲۴ میلادی که اردشیر بابکان، با فتح کرمان و منکوب کردن هفتواد موقعیت خود را از تثبیت کرد و به حکومت هفتواد پایان داد. هفتواد یک شخصیت تاریخی است نه افسانه‌ای و از او سکه‌هایی نیز بدست آمده است (ایران باستان ص ۲۶۸)

در بالای قلعه محلی به اسم کت کرم معروف است وزیر آن نقطه را «کد کرم» نوشته (تاریخ کرمان ص ۲۶۳) در اصطلاح کرمان کت یعنی سوراخ و پناهگاه است. حمدالله مستوفی می گوید که «گویند کرم هفتواد در آنجا بترکد» (نزه القلوب ص ۱۴۰) دروازه‌ای نزدیک کت کرم وجود داشته که از به قلعه دوم راه می یافته‌اند. البته در کنار ارگ بزم به فاصله اندکی بر فراز تپه ای باقیمانده بنایی به اسم «قلعه دختر» نیز هست که قدمت آن را به عصر اشکانی می‌رسانند. (ارگ بزم، تور بخش، ص ۲۶)، و مناسبتی بین دختران هفتواد و این قلعه می‌پندارند. اما احتمالاً باید پذیرفت که اینگونه بناهای منسوب به دختر اعم از قلعه و پل و قنات و نهر و سد و بند، به نام آنهاست، خدای آب و باران و زایش و بیماریهای زنان نام گذاری شده بوده و این نیز یکی از آنهاست. (خاتون هفت قلعه ص ۱۵۸).

راه بیابانی و ریگزار گذشته بودند، به شهرهای شمالی مثل کرمان، یزد و طبس و بلاخره نیشابور و ری ارتباط میداده است و در واقع «راه ادویه» و «راه فلفل» را به «راه ابریشم» می‌پیوسته.

بنای چنین قلعه وسیع و معتبری که بتواند کاروانهای چند هزار شتری را در خود پناه دهد از جهت اقتصادی و نظامی و سوق الجیشی اهمیت فراوان داشته، و در پناه امنیت همین قلعه بوده است که «قوافل روم و خراسان و عراق - بل تمام آفاق - ممر خویش به هندوستان و حبشه و زنگبار و چین در یابار [باز] سواحل کرمان افکندند.» (سلجوقیان و غز در کرمان، ص ۳۸۳).

در افسانه های محلی، ارگ بزم را مرکز حکومت فرمانروای معروف کرمان "هفت واد" دانسته‌اند.

البته برخی گفته‌اند که هفت واد در "قلعه دختر" کرمان مقیم بوده و در شهر فعلی کرمان را بعد از آن ساخته از دولت کرم به نوائی رسیده بوده است. (سید محمد هاشمی، مقاله تاریخ بزم، نشریه فرهنگ بزم، ص ۵۳؛ ایضا: راهنمای آثار تاریخی کرمان، ص ۶). این معنی را از قول فردوسی استنباط کرده‌اند که در احوال هفتواد قبل از جنگ با اردشیر بابکان گوید: چو یک چند بگذشت بر هفتواد / مرآن حصن را نام، کرمان، نهاد. در همان شاهنامه از محل توقف هفتواد به کجاران یاد می کند. قسمت اول این نام ممکن است ارتباطی با کلمه کیج داشته باشد که در بلوچستان طوافی معروف بوده‌اند، فردوسی گوید:

ز شهر گجاران به دریای پارس

که گوید زبالا و پهنای پارس
باید شهر به دریا نزدیکتر باشد. علاوه بر آن روایات مردم اصولاً ارگ بزم را قلعه هفتواد می‌شناسد. می شود کلمه

ارگ بزم از جهت قدمت تاریخی، و از جهت کثرت متراژ زیر بنا، و از جهت طرح سازی، و از جهت موقعیت استراتژیکی و اقتصادی، و از نظر اینکه پهندهشت بیابانی قرار گرفته است که گرداگرد آن بیابان‌ها و ریگزارهای بی‌پایان است و هر کدام از این بیابان‌ها صدها کیلومتر طول و عرض دارد، شاید در ردیف یکی از بناهای معدود ده‌گانه عجیب دنیا به شمار آید، چه قدمت آن به پیش از ایجاد دیوار چین می‌رسد و وسعت و مقدار کاری که در آن به کار رفته در ردیف بناهای بلبلک و اهرام و تخت جمشید است. قلعه بر فراز صخره‌ای از سنگ به ارتفاع تقریبی دویست متر از سطح زمین قرار گرفته و طول قطر آطول آن قریب سه کیلومتر و قطر اقصی آن نزدیک به دو کیلومتر است. و تمام تپه مشحون است از بناهای یک طبقه و دو طبقه با برج و باروهای متعدد.

شهر بزم در کنار آن است حدود (۱۰۸۰) متر (۳۶۰۰ پا) از سطح دریا ارتفاع دارد و جزء نقاط گرمسیر کرمان است و نخل و مرکبات در آنجا به عمل می‌آید.

تعمیرات ارگ در دوران‌های گوناگونی تاریخ صورت گرفته، آثار خشت‌های ساسانی ۳۶×۳۶×۳۶ سانتیمتر به وفور دیده می‌شود. باروی جدید شهر خشت‌های ۳۲×۳۲×۳۲ دارد. صخره‌ای که بر روی آنست در قسمت شمالی شهر است. حصار جانب شرقی قلعه هنوز باقی مانده و برجهایی از آن برخاست.

موقعیت بزم از جهت اینکه در چهار راه ارتباط میان هرموز (میناب فعلی)، و بندر طبس (نزدیک چابهار) و سیستان (از شرق) و گواشیر (شهر کرمان فعلی، و از جهت شمال) قرار گرفته، حائز اهمیت فراوان است. چه دریای عمان و سواحل هندوستان را و کاروانهایی را پس از طی هزاران کیلومتر



در وسط بازار یک چهار سوق وجود داشته که محل داروغه، (تخت داروغه) و ناتوایی آن قابل تشخیص است. اما سقف بازار بکلی فروریخته است.

در باب مسجد ارگ، باید اشاره شود که اصولاً در اوایل قرن اول هجری بم به وسیله ی عبدالله بن عامری فتح شد. (۲۹هـ / ۵۶۰ م) و او به کمک یکی از پیر زنان بم که اسلام آورده بود آتشکده‌ای را تبدیل به مسجد کرد و قطعه‌ای از چوب شجره را به تبرک در آن به امانت نهاد، (تاریخ کرمان، ص ۲۸۰، عقدالعلی، ص ۱۲۱) در باب اینکه مسجد ابن عامر ارگ بوده یا خارج قلعه، تردیدی مختصر هست. مولف حدود العالم گوید: "اندروی [بم] سه مَرگت جامع است: یکی خوارج راه، یکی مسلمانان راه، و یکی اندر حصار" (چاپ دکتر ستوده، ص ۱۱۲۸). اگر آن آتشکده که مسجد از آن ابن عامر باشد باید مسجد قلعه بوده باشد و اگر مقصود مسجدی است که این ایام به نام مسجد رسول معروف است این مسجد در خارج ارگ قرار دارد. پروفیسور پوپ اعتقاد دارد که مسجد ارگ در زمان صفاریان ساخته شده است. خوارج که در صدر اسلام در اثر پی‌گیری‌های حجاج بن یوسف ثقفی از عراق پراکنده شدند، جمعی به بیابانهای کرمان، خصوصاً بم و جیرفت گریختند و سالیها با حجاج جنگیدند و قطری رئیس آنان ۷۵هـ / ۶۹۴ م در حوالی جیرفت طغیان کرد و بعدها به مازندران رفت و در «قطری کلاهد» کشته شد. اما خوارج در بم هم چنان باقی بودند و مسجد و عبادتگاه داشتند تا یعقوب لیث صفاری با رئیس خوارج بم، اسماعیل بن موسی، جنگید و او را شکست داد و خوارج بم به سال ۲۵۴هـ / ۸۶۸ م بکلی قلع و قمع شدند. (یعقوب لیث، ص ۲۱۱). در این سالها قلعه‌ی بم به پنگ یعقوب می‌افتد و او با قبایل «بازر» و «قُصص» نیز جنگید و زعیم قُصص را دستگیر کرد و به قلعه فرستاد تا در آنجا هلاک شد. (عقد العلی، ص ۱۲۳)

در عصر سلجوقیان کرمان بارها و بارها صحبت از قلعه‌ی بم به میان می‌آید. که در دست شاهزادگان یا رجال درجه ی اول و وزرای سلجوقی مثل ابوالمفاخر ضیاءالدین بوده است. (بذایع الزمان، ص ۴۱) و امیر سابق الدین علی (عقد العلی: شایق الدین) از امرای معروف آخر عهد سلجوقیان کرمان است که با ضبط قلعه‌ی بم، از هجوم غزها به داخله‌ی بم تا حدودی جلوگیری کرد. (تواریخ آل سلجوق، ص ۹۰ به بعد؛ سلجوقیان در غز در کرمان ص ۴۶۶) او کرتوال محمد شاه بن بهرامشاه بود که پادشاه یازدهم است از فارودیان. (سلجوقیان و غز در کرمان، ص ۴۸۰) قزاقان نیز همیشه کوشش داشتند که قلعه‌ی بم را به‌عنوان نگهبانی مسلم نواحی شرقی و جنوب شرقی از خود داشته باشند و در جنگ‌هایی که میان مظفرالدین محمد شاه قراختائی و سیستانی‌ها در قلعه‌ی بم در گرفت مناتت قلعه در طولانی شدن جنگ‌ها نقش اساسی داشت (سمط العلی ص ۸۲) آخی شجاع الدین از عیاران و صلحو کان، سال‌ها در پناه همین قلعه در برابر امیر محمد مظفری ایستاد و در ۷۴۳هـ / ۱۳۴۲ م. بالاخره شمشیر و کفن به گردن از قلعه فرود آمد و تسلیم شد، زیرا امیر محمد آب رودخانه را به خندق و پای دیوار افکنده و یا روی قلعه فروریخته و بعد از محاصره طولانی دفاع غیر ممکن شده بود. (تاریخ کرمان، ص ۴۸۵؛ از تاریخ آل مظفر کتبی، ص ۳۴). عجیب‌تر از همه آنکه در پایان عمر امیر محمد

ارتفاع قسمتی از قلعه با ارتفاع کوهی که آب از آن آمده هم سطح بوده، آب از طریق همین شتر گلو که شکل گردن شتر دارد وارد ارگ می‌شده است. البته معمولاً آب را از یک چشمه کوهستانی می‌آورده اند و مظهر آن پوشیده و محو می‌کردند تا بیگانگان به منبع آن اطلاع حاصل نکنند. علاوه بر اینها، چاههایی نیز در قلعه بوده است که در موارد اضطراری از آن استفاده می‌شده. وزیری می‌نویسد یک چاه در بالای قلعه هست که عمق آن متجاوز از دوپست درع است، و اکنون آب دارد در نهایت گوارندگی. (جغرافیای کرمان، ص ۹۲). وزیری بنای قلعه را به بهمن بن اسفندیار، و حفر چاه را به رستم پهلوان و به امر سلیمان نبی نسبت می‌دهد. این مطلب را مورخ کرمانی از کتابی به نام بم نامه نقل می‌کند که آن کتاب امروز در دسترس نیست. (تاریخ کرمان، ص ۲۴۶). اعتماد السلطنه که کتابش معاصر کتاب وزیری است، دقیق‌تر به بیان مطلب پرداخته و گوید چاه بالای قلعه چهل گز، و چاه دوم که پایین‌تر است سی درع و چاه سیم بیست و هفت درع ریسمان می‌خورد، و با دلوهایی که چهل و پنج من تبریز (۱۳۵ کیلو) آب‌گیر آنست، اگر روزی هزار دلو آب از چاههای مزبور آب بکشند، کسر و نقصان در آن پیدا نمی‌شود. (مرآت البلدان، ص ۲۹۳). عجب آنکه سلیکس، عمق چاه قلعه دوم را حدود ۱۸۰ پا (۵۴ متر) یاد می‌کند (هشت سال در ایران، ص ۲۵۶).

صحیح‌تر از همه آنست که روایات عمومی می‌گویند از این چاهها به وسیله گاو چاه (دولاب) برای آشامیدن آب بالا می‌کشیدند و آب جاری آن گاو چاه به «دوستنگ» آب بالغ می‌شده و مصرف کل شهریان قلعه‌نشین را تأمین می‌کرده است. یک چاه آب را که پر شده بود عباسقلی خان جوانشیر به سال ۱۲۵۸ هـ / ۱۸۴۲ م، دوباره خالی کرده است. (فرمانروایان عالم، ص ۳۶۳). در بالای ارگ یک آسیابی بادی وجود داشته که آرد مصرفی مردم را تأمین می‌کرده و تا یکصد سال پیش این آسیاب قابل استفاده بوده (جغرافیای کرمان، ص ۹۴). به علت وزش باد شمال دایم و قوی در این نواحی، آسیاب همیشه دایر بوده و سنگهای بزرگ در گردش داشته. اعتماد السلطنه گوید آخرین تعمیر آسیاب در زمان ابراهیم خان سرهنگ (اسعدالدوله) و به توسط محمد قاسم خان بمی صورت گرفته، دور سنگ آسیاب تخمیناً ده درع (حدود سه متر قطر) و ضخامت سنگ حدود چهار یک (۷۵ سانتیمتر) بوده است. (مرآت البلدان، ص ۲۹۳).

یک محوطه نسبتاً کوچک هست که صورت احترام انگیز دارد و شاید خانقاه یا مکتب، و یا تکیه بوده است. یک چار طاقی مرکز زورخانه هم دارد و گود آن یک متر و نیم از سطح زورخانه پایین‌تر است. (ارگ بم، نوربخش، ص ۱۳۶). تکیه میرزا نعیم - که گویا مدرسه نیز بوده - در ارگ است و کنار مسجد کوچک ارگ قرار دارد. این مسجد غیر از مسجد اصلی ارگ است و احتمالاً در عصر صفوی بنا شده، حمام ارگ پشت برج بزرگ غربی حصار واقع است و دو خزانه آن قابل تشخیص بنظر می‌رسد و باز احتمالاً مربوط به عصر صفوی است. بازار ارگ در ابتدای دروازه ورود حصار قلعه قرار گرفته و در انتهای آن میدانی است که علاوه بر مقاصد تجارتنی، محل مراسم مذهبی و عزاداری - نیز بوده. حُجره ها و مغازه های ابتدای بازار، از جهت طول و عرض، با حجره های آخر آن متفاوت است.

در ارگ بم سه طبقه ساختمان دیده می‌شود که مجموعاً به وسیله سه بارو از یکدیگر جدا می‌شوند. باروی اول با خشت‌های ساسانی، باروی دوم در دوره‌های اسلامی با خشت‌های ۳۲×۳۲×۶ و باروی سوم با خشت‌های ۲۴×۲۴×۴ و همچنین با چینه ساخته شده و این باروی اخیر که به شهر بیرون ارگ وصل می‌شده به علت بارندگی و آب افتادن پای دیوار و هم چنین استفاده از خاک آن به عنوان کود برای کشتزارها، تقریباً از میان رفته است.

برای اطراف رَیص بم، خندق ژرف کنده شده بوده است که در مواقع "در بندان" آب رودخانه ابارق را در آن می‌افکنده‌اند، و یک بار در عصر سلاجقه برای حفظ قلعه، از بیست فرسنگ آب آوردند و در خندق افکندند، آب غلبه نمود و ریض دیوار شهر سر به نشیب خرابی آورد. (سلجوقیان و غز در کرمان، ص ۴۲۸ و تواریخ آل سلجوق). از سه حصار قلعه بم، حصار بیرونی بیشتر خراب شده حصار دوم چند دروازه آن مشخص است. اطاقهای متعددی که برای نگهبانان ساخته شده و حصار بیرونی که "شهر بست" خوانده می‌شود و چند برج نیمه ویران هنوز از آن باقی است.

پهنای دیوار قلعه، از میان، چهارده درع، ورودی مردرو آن الحال ده درع پهنای دارد و چنان گلی دارد که با کلنگ نمی‌توان، یک صبح تا شام، با هر قدر قوت، یک درع آن را خراب کرد. (مرآت البلدان ص ۲۹۳).

برج دیده‌بانی مرتفع‌ترین نقطه ارگ است و گویا هفت طبقه بوده و سه طبقه آن را فیروز میرزا در عصر قاجار خراب کرده است. از فراز برج با آتش در شب و با دود هسته خرما در روز خبرهای لازم را نیز مخابره می‌کرده‌اند، و به همین دلیل آن را «برج آتش» نیز خوانده‌اند. برخی تصور می‌کنند شاید مرکز نگاه داری آتش مقدس - آتشکده - نیز در زیر آن قرار داشته و به این سبب برج آتش خوانده شده، البته منافاتی با نظر بالا ندارد.

در زیر برج، یک بنای چهار فصل است (نارنج قلعه= نارین قلعه) که چهار اطاق گنبدی دارد و احتمالاً در عصر صفوی تعمیر شده و بوسیله پله هایی به طبقه پایین ارگ متصل می‌شود. طبقات زیرین اطاقهای تو در تو است که شاید برخی اصطیل و بعضی انبار بوده است.

دروازه‌های قلعه داخلی البته محدود بوده، از دروازه کُت کرم، و دروازه شاه نشین و دروازه قورخانه و غلام خانه (که تسمیه مربوط به عصر قاجار است) سخن به میان می‌آید، مقدسی از چهار دروازه باروی بم یاد می‌کند به نام دروازه نرماشیر - که لاید به جانب شرق باز می‌شده - دروازه کوسکان، دروازه اسپیکان (که احتمالاً بطرف اسپهکه، شهر معروف بلوچستان، جنوب شرقی باز می‌شده)، و دروازه کورچین (ترجمه احسن التباسیم، ص ۶۸۷).

البته دروازه‌های باروی شهر اصلی بم که بعدها ساخته شده متعدد بوده است که در توضیح شهر بم البته خواهد آمد. برای تأمین آب شهر - به دلیل آنکه باران در آن نواحی بسیار کم است - مثل قلعه‌های نقاط پر آب، از برکه استفاده چندان نمی‌توان کرد. به همین دلیل، گویا از طریق شتر گلو، آب قلعه را تأمین می‌کرده‌اند (محمد سیف الدینی، نشریه فرهنگ بم ص ۳۵)، شتر گلو عبارت از آبرو زیرزمینی (قنات واره) ایست که آب را از نقاط مرتفع دوردست از طریق زیرزمینی، به بالای تپه‌های منتقل می‌کند، و چون



۲۵۶). در سال‌های اخیر (۱۳۳۷ش/ ۱۹۵۹م) انجمن آثار ملی ایران یک بار تعمیراتی در عمارت چهار فصل قلعه به عمل آورد. (روزنامه‌ی هفتواد، شماره ۹ اردیبهشت ۱۳۳۷)، و تمام قلعه را در جزء آثار ملی ایران ثبت و از تخریب آن جلوگیری کرد.

اصولاً تعمیرات و بازسازی قلعه، در تمام طول تاریخ، به کمک مردم و به صورت دسته جمعی و با شرکت همه طبقات صورت می‌گرفته و هر کس که در خارج قلعه باغ و خانه و ملک داشته، موظف بوده در داخل قلعه نیز برای خود اطاق مخصوص داشته باشد. همیشه قبل از جنگ و بعد از جنگ‌ها بازسازی و تعمیر قلعه با دستگیری مردمان شهر و روستا صورت می‌گرفت و کشاورز و کارگر و عمله و بنا از هر طرف می‌آمده‌اند و قلعه را آماده می‌ساخته‌اند. هنگام «دربندان» ساکنان شهر، به اطاق‌های اختصاصی خود در قلعه نقل مکان کرده اشیاء قیمتی را نیز می‌بردند و دروازه‌ها را می‌بستند.

تا مدت‌ها پیش در افواه و اعتقادات مردم گفته می‌شد و رسم بر این بود که مردم به کسانی که در قلعه اطاق و خانه نداشتند دختر نمی‌دادند. (آذرماه ۱۳۶۵/ دسامبر ۱۹۸۶)

منابع برای ارگ بم

— آحسن التقاسیم قدسی، ترجمه علینقی منزوی، تهران ۱۳۶۱/۱۹۸۲
جغرافیای کرمان، احمد علی خان وزیر، تصحیح باستانی پاریزی چاپ دوم ۱۳۵۳/۱۹۷۴
— هشت سال در ایران

Ten Thousand Miles in Persia, sir Percy M. Sykes

ترجمه‌ی حسین سعادت نوری، چاپ دوم تهران، ۱۳۳۶/۱۹۷۵
— عقداًللی للموقف الاعلی، افضل کرمان، تصحیح علی محمد علی عامری با مقدمه باستانی پاریزی، چاپ دوم ۱۳۵۶/۱۹۷۷
— حدود العالم مولف تصحیح دکتر منوچهر ستوده تهران، ۱۳۴۰/۱۹۶۲

یادداشت‌ها:

۱- شاید منسوب به گوزن بوده باشد.

پی‌نوئیس‌ها:

۲- آقای فیروز باقرزاده با کشف یک کاسه کاشی متعلق به کریم الشریق و سابق الدین علی، ثابت کرده است که یکی از دو کریم الشریق تاریخ قدیم ما- در بم مسکن داشته است. این مرد شخصیت بزرگ و نامدار اواخر سلجوقیان کرمان است و به علت بخشیدگی‌ها به کریم الشریق معروف شده. تصویر کاسه و نام سابق الدین علی رامن در کنگره کمبریج در مقاله آقای باقرزاده دیدم .

گوشه قرار دارد - و چند یارد از سایر برجها مرتفعتر است. بنای قلعه تماماً از گل مخلوط با کاه و مواد قبری ساخته شده، ارگ در بالاترین نقطه قلعه و محل سکونت حاکم و فرماندار است. (سفرنامه پاتینجر)

پناهندگی آقاخان محلاتی، به قلعه بم و پیوستگی خانوادگی او با حکام سیستانی به، باعث لشکر کشی فیروز میرزا در زمان محمد شاه به بم شد و ارگ در محاصره قرار گرفت و پس از مدتی مقاومت، قرآن و شمشیر به گردن گرفته تسلیم شد و او را به تهران فرستادند. (۱۲۵۴ هـ ۱۸۳۸ م؛ فرماندهان کرمان، ص ۷۷)

آقاخان چند سال بعد برای بار دوم طغیان کرد و به کرمان و بم رفت. فضلعلی خان قهره باغی و امیر حبیب الله خان توپخانه او را از بم فراری دادند و به هندوستان فرار کرد. از آن پس دیگر سکونت در قلعه ممنوع شد و به پادگان نظامی اختصاص یافت. (فرمانفرمای عالم، ص ۳۱۵). وزیری که سی سال بعد از قلعه دیدار کرده می‌نویسد: اکنون جز دو دسته سرباز و یک صاحب منصب و چند نفر توپچی و دو عزاذه توپ با عملیه آن تقریباً پنجاه سوار - که حسب الامر ایالت کرمان به محافظت آن قلعه مامورند، کسی دیگر در ارگ منزل ندارد. (جغرافیا ص ۹۴)

فیروز میرزا نصیره الدوله فرمانروا ما که چهل سال بعد از لشکر کشی خود سفر دیگری به بم و بلوچستان داشته در سفرنامه‌ی خود می‌نویسد: در ارگ ساخولی دیوانی و قورخانه و توپخانه منظم (ساکن است) و شهر او یعنی شارستان قلعه به کلی خراب می‌باشد که یک خانه‌وار هم ساکن نیست وضع مهندسی قلعه محل تعجب است در دیوار و بدنه‌ی آن دو عزاذه توپ جُفت می‌رود - آنقدر پهن است. خندقی معتبری دارد. دیوار شهر را هم روی خاک ریز بلندی گذاشته‌اند که درپوش بسیار به صعوبت می‌توان بالا رفت. (سفرنامه فیروز میرزا، ص ۷)

تعمیرات مختصر قلعه بلافاصله پس از شکست آقاخان در ۱۹۲۵۹ هـ / ۱۸۴۳ م. توسط عباسقلی خان کُرد جهان بیگلو حاکم کرمان صورت گرفته (روضه الصفا ناصری، ج ۱۰ ص ۲۷۳)

ماژور سایکیس که در جنگ بین‌المللی اول، به ایجاد قشون R.P.S در جنوب ایران توفیق یافته، مدت‌ها قبل از آن (۱۹۰۲م/ ۱۳۲۰هـ) به بم (شهری که در آن ایام تنها ۱۳ هزار تن جمعیت داشته) سفری نموده و از ارگ بم دیدن کرده می‌نویسد: برای دیدن ارگ باید از بازار کهنه‌ای که حدود ششصد ذرع طول دارد- گذشت. کسانی که به قلعه می‌روند باید از دروازه‌ی دومی قلعه در منتهی‌الیه همین معبر قرار گرفته. و از آنجا به توپخانه‌ی قلعه می‌رسیم. آن جا چند عزاذه توپ بود که تاریخ ساخت یکی از آنها ۱۲۵۴ هـ / ۱۸۳۸ م است. (سفرنامه، ده هزار میل در ایران، ص

مظفر، فرزندانش لورا دستگیر و کور کردند و در قلعه طبرک اصفهان محبوس ساخته، سپس به قلعه سفید فارس بردند و از آنجا به قلعه سنگ سیرجان فرستادند و از آنجا به قلعه بم آورده موقوفش داشتند و از آنجا در ۷۶۵هـ / ۱۳۶۲ م در گذشت. جسدش را به می‌بُ بردند. (تاریخ کرمان ص ۵۱۶)

دردمان جانشینان تیمور، امیرزاده ابابکر بر بم مستولی شد سلطان اویس تیموری با او درافتاد. ابابکر می‌خواست بُرج و باروی قلعه را تعمیر کند. سید شمس الدین بمی از عرفای معروف بم، او را از بن کار بازداشت که مردم را از کشت و زرع باز ندارد، و ابابکر پذیرفت (ساله مقامات عرفای بم، ص ۱۸۰)

همین امر باعث شد که ابابکر از سلطان لویس شکست خورد و لویس پس از پیروزی دستور داد تا بنیاد عمارت قلعه بم کردند و باقیماندگان را به قلعه بردند و مخالفان را کشتند و خانه‌های ریض را ویران کرده جو کاشتند (نشریه فرهنگ کرمان، ص ۴۲؛ تاریخ کرمان ص ۵۶۸).

این همان تعبیری است که کتیبه‌ی مسجد ارگ از آن حکایت دارد و رقم سال ۸۱۰هـ / ۱۴۰۷ م، بر آن دیده شده است. پروفیسور پوپ عقیده دارد که بنای مسجد مربوط به عمر صفاری است، ولی بسیار احتمال هست که بنا بر اساس آتشکده صورت گرفته باشد.

قلعه بم هم چنان مرکز مقاومت بود و پیر محمد از امرای تیموری مدت‌ها در آنجا طغیان داشت. (ساله مقامات ص ۱۲۴) و بالاخره به میرزا الوندبیک تسلیم شد.

دردوره ی صفوی قلعه بم مرکز گرد آوری سیاه و تحکُم گنجعلیخان بر بلوچستان و سیستان بود، و لشکر کشیهای این حاکم مقتدر عصر شاه عباس به بلوچستان فصلی مُشبع از تاریخ کرمان را شامل می‌شود (گنجعلی خان، ص ۴۲) در عصر کریم خان زند، قلعه‌ی بم باز به دست طوایفی از سیستانیان و اوغایبان افتاد، اعظم خان اوغان و محمد حسین خان سیستانی - با فرزندان متعددهش - مدتی طولانی این قلعه و نواحی شرقی را در تصرف داشتند و جنگ حاکم کرمان با آنها در ناحیه «دیوار بلند» نیز به جایی نرسید. (وادئ هفتواد، ص ۱۷۱)

آنگاه که آقا محمد خان قاجار بر کرمان غلبه یافت، لطفعلی خان زند خود را به بم رسانید، سیستانی‌ها او را در خارج قلعه جای داده و بالاخره به آقا محمد خان قاجار تسلیم و به این طریق موقعیت خود را در بم موقتاً تحکیم نمودند. (آسیای هفت سنگ، ص ۲۲۰)

پاتینجر انگلیسی که حوالی ۱۲۳۱هـ / ۱۸۱۶ م - زمان فتحعلیشاه از بم عبور کرده و به هندوستان رفته، ضمن بازدید از ارگ بم می‌نویسد، یک دیوار گلی بسیار بلند و قظور، یک خندقی خشک و عمیق و عریض، شش برج بزرگ در هر ضلع - به استثنای برج‌هایی که در چهار





انسان‌هایی که به اندازه همان آثار باستانی ارزش دارند

به هر حال طاهره صفارزاده پس از فوت والدینش تحت سرپرستی شوهر خواهرش قرار گرفت و پس از طی مراحل تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای ادامه تحصیل عازم تهران شد و در رشته زبان انگلیسی به دریافت مدرک تحصیلی لیسانس از دانشگاه تهران آمد آنگاه در شرکت نفت مشغول به کار گردید و سپس به انگلستان عزیمت کرد و به اخذ درجه فوق لیسانس و اخذ مدرک دکترا موفق شد وی در امتحانات دانشگاه «آیووا» ایالت متحده آمریکا شرکت کرد و پس از قبولی در دانشگاه مزبور از کار در شرکت نفت استعفا و برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد تا در رشته نقد تئوری و عملی در ادبیات جهان تحصیل و پس از آن به تدریس بپردازد.

شاعری که تعهد مفهوم‌گرایی، اندیشه محوری و دین باوری از مولفه‌های اصلی شعر اوست. وی علاوه بر شاعری، در نویسندگی، تحقیق و تدریس و ترجمه نیز دستی توانا دارد چنان که قرآن کریم را به سه زبان زنده دنیا ترجمه کرده است.

و از آثار دکتر طاهره صفارزاده به عناوین زیر می‌توان اشاره کرد:

مجموعه اشعاری با عناوین «چتر سرخ» به «انگلیسی» «رهگذر مهتاب» و «طنین در دلنا» که به چاپ رسیده است و دهها مقاله در زمینه‌های مختلف ادبی و عرفانی و مذهبی که در جراید ایران و کشورهای خارجی به چاپ رسیده و یا در کنفرانس‌هایی که به مناسبت‌های مختلف در ایران و دیگر کشورهای خارجی تشکیل شده و ایشان شرکت داشته است ارائه گردیده است. بزرگترین اثر دکتر صفارزاده ترجمه فارسی و انگلیسی قرآن کریم می‌باشد که باعث کسب افتخار جهانی او شده است که به نحوی که این بانوی کرمانی ما به عنوان شخصیت برتر سال ۲۰۰۶ میلادی در جهان معرفی شده است.

سرانجام دکتر طاهره صفارزاده در تاریخ چهارشنبه اول آبان ماه سال ۱۳۸۷ بدرود حیات گفت و جنازه او با تشریفات خاصی که از سوی مقامات علمی و فرهنگی مملکت به عمل آمد به خاک سپرده شد.

روحشان شاد و نامشان ماندگار

کرد و پیشنهاد نمود که برای این منظور شایسته است یک بیمارستان بسازم و من نظر او را بسیار پسندیدم ولی بعد به این نتیجه رسیدیم که تاسیس یک دانشگاه که یک بیمارستان هم جزئی از آن باشد بهتر است.»

سپس مهندس افضل‌پور به چگونگی محل این دانشگاه که در چه نقطه‌ای از مملکت باشد پرداخته و اضافه نموده است که سرانجام در سال ۱۳۵۰ شهر کرمان برای انجام این منظور در نظر گرفته شد و از جمله دلایل گزینش این شهر فاصله زیاد بین شهر کرمان تا مرکز و نبودن دانشگاهی در نزدیکی کرمان، استعداد و فعالیت مردم کرمان با وجود معادن بسیار بزرگ فلزات و کانی‌های دیگر در استان کرمان موجودند که می‌توانند برای دانشجویان و حتی اساتید دانشگاه میدان وسیع و پربار مطالعه و تحقیقات علمی قرار گیرد و همچنین معتدل بودن آب و هوای کرمان بود.

در این‌جا بی‌مناسبت نیست بگوییم، یاد و نام آن فرزانه زمان به خیر باد که باقیات و صالحات او در میعادگاه طالبان علم و شیفتگان وادی کمال کرمان و معرفت است. اگر بگوییم در ساخت این بناء مصالح اصلی عشق و شور و شیدایی بوده، سخنی به گزاف نگفته‌ایم آنطور که جای جای ملکوتی دانشگاه او یاد و خاطره‌اش را گرمی می‌دارند که با حضور مستمر و همیشگی خود بهره‌برداران از این فضای علمی را ممکن ساخت.

مهندس علیرضا افضل‌پور بنیان‌گذار دانشگاه کرمان در ۱۸ فروردین سال ۱۳۷۲ ه.ش دار فانی را بدرود گفت.

دکتر طاهره صفارزاده یکی از چهره‌های ماندگار و شاخص و درخشان شعر و ادب دیار کریمان است و شاعری که تعهد مفهوم‌گرایی، اندیشه محوری و دین باوری از مولفه‌های اصلی اوست.

وی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در شهرستان سیرجان متولد شد. دو ساله بود که والدینش را از دست داد. جد وی میرزا علیرضای بزرگ است که در عین تعیین و ثروتمندی زندگی بسیار ساده‌ای داشته و اهل سلوک و عرفان بود و هر روزه عده زیادی بر سر سفره او طعام می‌شده‌اند. جد دیگر وی حاج اسماعیل تاجر گلابتون، مکتب قرآن داشته و از او کراماتی نقل شده است.

مهندس علیرضا افضل‌پور بنیان‌گذار دانشگاه کرمان، در سال ۱۳۸۸ در شهر تهران و در خانواده‌ای دانش دوست و دانش پژوه دیده به جهان گشود، دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۱۳۱۰ گواهی نامه دبیرستان را دریافت نمود. در شهریور همان سال پس از کسب موفقیت در مسابقه اعزام محصل جزو چهارمین گروه دانشجویان ایرانی برای ادامه تحصیلات عالی به کشور فرانسه رفت و در سال ۱۳۱۴ موفق به اخذ درجه لیسانس در رشته شیمی عمومی در دانشگاه شهر «بوردو» گردید و سپس دوره تخصصی شیمی کشاورزی را در شهر «لیل» سپری نمود.

مهندس افضل‌پور از اوایل ۱۳۲۰ فعالیت‌های بازرگانی خود را آغاز نمود که مهم‌ترین نتیجه ده‌ها سال تلاش و کوشش خستگی‌ناپذیر ایشان «تاسیس دانشگاه کرمان» است.

وی در بیان انگیزه تاسیس دانشگاه کرمان نوشته است: «من اطمینان دارم کسانی که با محیط خانوادگی و پرورش و روحیه من آشنا هستند و شور میهن‌پرستی در سر دارند، به یقین می‌دانند که راه منحصر به فرد برای تعالی و سلامت مردم کشور، همانا راه دانش و فن است و در آنچه من هم اکنون خواهیم نوشت با من کاملاً هم عقیده خواهند بود.

گرچه من پس از پایان تحصیلات عالی در کشور فرانسه و بازگشت به ایران عمر خود را صرف فعالیت‌های بازرگانی کرده‌ام اما همواره بر این عقیده بوده‌ام و اکنون نیز هستم که گردآوری مال برای یک انسان واقعی وسیله‌ای به منظر نیل به یک هدف عالی و مردمی تلقی نمی‌شود.

از این جهت در تمام عمرم از ظواهر فریبنده دوری جست‌م و به یک زندگی بسیار ساده بی‌هیچ گونه پیرایه و تکلف اکتفا کرده‌ام.

من همواره به یاد داشته‌ام که آنچه با نهایت صداقت و درستی طی ده‌ها سال تلاش و کوشش بدست آورده‌ام در واقع متعلق به هم میهنان عزیزم می‌باشد و باید دیر یا زود به صورتی دیگر به صاحبان آن بازگردانده شود.

این اندیشه را در سال ۱۳۴۹ با همسر مهربان و فداکارم بانو فاخره صبا در میان گذاردم و هم چنان که انتظار می‌رفت او بانهایت خرسندی و حسن تفاهم از آن استقبال



همایش

«کسب و کار و کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری»

قالب سخنرانی و نیز نمایش فیلم و کلیپ و اسلاید، ارائه شد. تجربه‌های کارآفرینی برگزیده از ایجاد وب‌سایت گردشگری تا پاراتور و بوم گردی و تأمین اقامت‌گاه‌های روستایی و نیز با محوریت سلامت، طبیعت‌گردی و محیط زیست، تنوع داشت و عناوین مقالات ارائه شده به شرح زیر بود:

- برنامه‌ریزی توسعه گردشگری سلامت در ایران در راستای کاهش اتکا به درآمد‌های نفتی
 - موانع گردشگری زنان در منطقه تجاری ارس
 - گردشگری طبیعت (اکوتوریسم) و نقش آن در حفاظت از محیط زیست
- آخرین برنامه این بخش از همایش، گزارش خانه ایده دانشجویان و معرفی برگزیدگان بود که توسط نماینده مجتمع آموزش عالی بم ارائه شد.

مراسم اختتامیه با سخنرانی فرماندار بم آغاز شد و با قرائت بیانیه پایانی و اهداء لوح تقدیر و تندیس همایش به صاحبان کیس و مقاله، اعضای کمیته علمی و اجرایی و مشارکت‌کنندگان در همایش و نیز اجرای موسیقی زنده به پایان رسید. متن بیانیه پایانی در ادامه آمده است. پس از یک استراحت کوتاه نشست تخصصی «بررسی فرصت‌های کسب و کار زنان در حوزه گردشگری» با حضور تیم اجرایی و علمی همایش، ارائه دهندگان مقالات و مطالعات موردی، مسئولین مرتبط و نمایندگانی از اساتید، دانشجویان و صاحبان ایده در سالن همایش هتل ارگ جدید برگزار شد که در ادامه به شرح گزارش پرداخته می‌شود.

با توجه به استقبال گسترده دانشجویان گردشگری مجتمع آموزش عالی بم و نیز فارغ التحصیلان و زنان فعال در حوزه صنایع دستی و گردشگری از این همایش و نگرش مثبتی که میان مسئولین مربوطه و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها بوجود آمد به نظر می‌رسد نتایج همایش باید در جلسات فنی و کارشناسی مورد بررسی قرار گرفته گام‌های اساسی برای نهادینه شدن آن برداشته شود.

و نیز ثبت نام شرکت‌کنندگان و گزارش روند علمی و اجرایی همایش در اختیار اصحاب رسانه قرار گرفت. هم زمان در استان کرمان توسط اتاق بازرگانی، استانداری و فرمانداری بم اطلاع‌رسانی لازم انجام شد. برگزاری نشست تخصصی «کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری» با همکاری پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در سالن اجتماعات این پژوهشگاه و سخنرانی آقای مهندس محمد بهشتی و نیز خانم‌ها فیروزه صابر و زهرا نقوی و آقایان دکتر پویا علاءالدینی و محمد کاوه از انجمن زنان کارآفرین، دانشگاه و اتاق بازرگانی تهران موجب شد چارچوب مباحث موردنظر مشخص شده برخی چالش‌های موجود در حوزه گردشگری زنان در حضور نمایندگان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری مطرح شود. گزارش نشست در ادامه آمده است.

حضور دبیر علمی و اجرایی و دیگر دست‌اندرکاران همایش یک روز قبل از برگزاری در محل، موجب شد هماهنگی‌های نهایی برای مراسم استقبال از میهمانان، اسکان و پذیرایی ایشان و نیز مجموعه برنامه‌های همایش و بازدیدها و تشکیل نمایشگاه صنایع دستی انجام شود. هرچند استاندار کرمان به دلیل کسالت نتوانست نقش میزبانی خود را ایفا کند و معاون ایشان، نیز در همایش حضور نیافت اما برنامه افتتاحیه با ارائه گزارش دبیر همایش، پخش کلیپ همایش و پس از آن خیرمقدم دکتر حسینی مشاور استاندار در امور زنان و خانواده و نیز دکتر علوی رییس کمیسیون گردشگری اتاق کرمان آغاز شد و با ارائه یک مقاله و چند مطالعه موردی ادامه یافت و در زمان تنفس شرکت‌کنندگان همزمان با بازدید از نمایشگاه صنایع دستی زنان هنرمند بم، مورد پذیرایی قرار گرفتند. بخش دوم برنامه با پخش کلیپ ارگ جدید و پس از آن سخنرانی دکتر سعید شیرکوند معاون سرمایه‌گذاری سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آغاز شد و در فاصله قبل و بعد از فرصت نهار و نماز مقالات و تجربه‌های کارآفرینی منتخب کمیته علمی همایش در

به دنبال برگزاری ده همایش ملی، هم زمان با ده ساله شدن انجمن زنان کارآفرین، یازدهمین همایش با عنوان «کسب و کار و کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری» طی روزهای ۱۵ و ۱۶ بهمن ماه در شهرهای بم و کرمان برگزار شد. اولین اقدام دبیرخانه همایش پس از تشکیل کمیته‌های علمی و اجرایی و تعیین دبیر و تعیین محل برگزاری، همزمان با تهیه فراخوان، جلب مشارکت‌کننده بود که خوشبختانه دو حامی جدی در بخش دولتی و خصوصی به دست آورد. سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور که در همایش دهم انجمن با موضوع صنایع دستی مشارکت جدی داشت، این بار نیز با آگاهی بیشتر از قابلیت‌ها و توانایی انجمن قول همکاری داد و سازمان عمران کرمان نیز برای مشارکت و مساعدت‌های لازم توسط مجموعه‌های مرتبط با خود اعلام آمادگی کرد. پس از آن رایزنی با دانشکده کارآفرینی و معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری به ثمر نشست و در پی آن بانک اقتصاد نوین، شرکت قطارهای مسافری و باری جویبار و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان نیز تعدادی از اعضای انجمن به مجموعه حامیان همایش پیوستند.

پس از انتشار فراخوان مقالات، تجربه‌های کارآفرینی و ثبت نام شرکت‌کنندگان در روزنامه‌های کثیرالانتشار، نشریات تخصصی، خبرگزاری‌ها و سایت‌های دانشگاه‌ها و سازمان‌ها و مراکز مرتبط و به دنبال آن دریافت مقالات و تجربه‌های کارآفرینی، اعضای کمیته علمی با مأموریت داوری، فعالیت خود را ادامه دادند و هم زمان پوستر، دعوت‌نامه، لوح تقدیر و تندیس همایش طراحی و اجرا شد. طی دو سفر دبیرهای علمی و اجرایی و دیگر اعضای دبیرخانه به استان کرمان و شهرستان‌های کرمان و بم، امکان‌سنجی‌های لازم صورت گرفت و نهایتاً شهر بم به عنوان میزبان همایش انتخاب شد.

طی دو نشست خبری، اطلاعات مربوط به چگونگی برگزاری همایش و نحوه ارسال مقالات و مطالعات موردی





همایش " زنان و گردشگری "

کرمانی نشست، گسترش و ترویج صنایع دستی استان بود که پیرو طرح این دغدغه، خانم دکتر عظیمی، به حضاران قول تخصیص ۵۰۰ متر مربع از فضای برج گردشگری کرمان را به همین منظور و جهت دایر نمودن نمایشگاه دائمی صنایع دستی استان دادند.

یکی دیگر از دغدغه‌های مطرح شده در این نشست، بحث پیرامون عدم به بار نشستن ایده‌های گردشگری و ... در فضای کسب و کار استان و دانش اندک راه اندازی کسب و کار و تجاری سازی ایده‌ها بود که با توجه به این مباحث، خانم دکتر باقری که به نمایندگی از دانشکده کارآفرینی در جمع هیأت علمی همایش حضور داشتند، پیرو طرح مبحث «ایده خلاق» در همایش، پیشنهاد تشکیل «اتاق ایده» را زیر نظر دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران در دانشکده گردشگری بم مطرح نمودند که با استقبال دانشجویان مواجه گردید.

مطابق این طرح مقرر شد که تبادل دانش و ارتباطات با دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران از طریق دانشجویان همکار بین دو دانشکده و تحت نظارت اتاق ایده صورت پذیرد و ایده‌ها در این اتاق به سمت راه اندازی کسب و کار مرتبط هدایت شوند.

نتایج این نشست تخصصی، حاصل در کنار هم قرار گرفتن مسئولین، برنامه‌ریزان، نهادهای مدنی، کارآفرینان زن در حوزه گردشگری، اساتید دانشگاه و دانشجویان می‌باشد که از نکات بارز یازدهمین همایش کارآفرینی زنان است.

همایش به دستاوردهای حاصل از همایش پرداختند و سپس دانشجویان شرکت کننده در همایش نیز به نقش تاثیرگذار این همایش در افزایش انگیزه کارآفرینی خود اشاره کردند. در ادامه یکی از دانشجویان به کمبود منابع مالی برای شروع کسب و کار اشاره کرده و آن را مانع جدی کارآفرینی جوانان برشمرد. رییس نشست در پاسخ به این سؤال، از زنان کارآفرین جوان در حوزه گردشگری که به عنوان موارد برتر این حوزه در نشست صبح به ارائه مورد خود پرداخته بودند، خواستند تا به تبیین نظرات خود در این خصوص و ارائه تجربیات کارآفرینانه خود در حوزه‌های مختلف کسب و کار پرداخته و تجربیات خود را با حضار به اشتراک بگذارند.

در همین راستا، کارآفرینان کرمانی حاضر در جمع نیز به معرفی خود و ارائه راهکارهای مفید در زمینه تقویت صنعت گردشگری در این استان پرداختند؛ خانم دکتر عظیمی که از اساتید دانشگاه نیز می‌باشند، ضمن معرفی پروژه «برج گردشگری کرمان در گرمترین نقطه جهان در کویر کرمان» به ارائه توضیحات پیرامون ابعاد این پروژه، کاستی‌ها و مشکلات مسیر پرداختند.

در ادامه نشست سرکار خانم دانشور معاون استاندار و جناب آقای دکتر علوی نایب رئیس اتاق بازرگانی کرمان نیز به ایراد صحبت پرداخته و خواستار ادامه همکاری‌ها به منظور گسترش و ترویج گردشگری در کرمان شدند. در ادامه طرح مباحث مرتبط با مشکلات و مسائل حوزه گردشگری زنان در استان، یکی از دغدغه‌های حاضرین

در پی برگزاری همایش " زنان و گردشگری " به همت انجمن زنان کارآفرین در سالن همایش‌های ارگ جدید بم، در روز ۱۵ بهمن ماه ۱۳۹۳، نشست تخصصی این همایش به منظور هم‌افزایی تجربیات با حاضرین در همایش و ارائه راهکارهای عملیاتی به منظور اجرایی نمودن ایده‌های مرتبط با حوزه گردشگری زنان، در هتل ارگ جدید و در ادامه همایش برگزار گردید.

در این نشست تخصصی که تیم اجرایی و علمی همایش، ارائه دهندگان مقالات و مطالعات موردی، افراد علاقه مند به گسترش بحث گردشگری در کرمان، برخی از نمایندگان استانداری و شهرداری، نایب رئیس اتاق بازرگانی کرمان، دانشجویان، تعدادی از اساتید و مسؤولان مجتمع آموزش عالی گردشگری بم و صاحبان ایده حضور داشتند، اهداف ذیل پیگیری شد:

۱. تعامل مستقل افراد با یکدیگر و ارائه راهکارهای عملی در زمینه توسعه کارآفرینی گردشگری زنان
۲. ارتقای انگیزه و روحیه دانشجویان در زمینه کارآفرینی گردشگری زنان
۳. ارایه الگوهای موفق در زمینه کارآفرینی گردشگری زنان به دانشجویان
۴. بحث و بررسی چالش‌ها و فرصت‌های کارآفرینی گردشگری زنان

در ابتدای نشست، سرکار خانم دکتر آراستی دانش‌یار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران که ریاست این نشست تخصصی را عهده‌دار بودند، با اشاره به نقاط قوت این

بیانیه یازدهمین همایش انجمن زنان کارآفرین

بخش خصوصی و نهادهای مدنی همراه با پشتیبانی دستگاه‌های دولتی ذیربط، نقش موثری در این راستا دارند. زنان روستایی مهم‌ترین عامل شکل‌گیری و توسعه این مهم هستند.

۵. رسانه ملی در ترویج فرهنگ گردشگری در ایران هنوز سهم موثری ایفا نکرده است.

مستندسازی تجارب الگوهای موفق، کمک به طرح چالش‌ها و فرصت‌های موجود در حوزه گردشگری در ایران و نیز انتقال تجارب موجود جهانی، نقشی محوری است که برعهده رسانه ملی است. پیشنهاد می‌شود دانشکده‌های گردشگری و بویژه دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران با استفاده از دستاوردهای نهادهای مدنی و بخش خصوصی به این مهم بپردازند.

۶. براین باوریم که گردشگری نه صرف تفریح و سرگرمی که بعنوان مقوله‌ای اقتصادی و کمک به توسعه ملی مطرح است. زنان در این مسیر نقش اساسی دارند.

۷. انجمن زنان کارآفرین آمادگی خود را برای هرگونه همفکری و همکاری با دستگاه‌های متولی بویژه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری برای ترویج و توسعه کسب و کارهای نو در حوزه گردشگری و الگوسازی زنان کارآفرین در این حوزه اعلام می‌دارد.

کاهش قیمت نفت، موضوع گردشگری که سوئمن موضوع درآمدزا در سطح جهانی است، فرصت مغتنمی برای ترویج کارآفرینی در این حوزه است.

۲. آگاهی نسبت به چالش‌های پیش رو در حوزه گردشگری بویژه یکپارچگی در اندیشه و عمل اجتماعی و اقتصادی در میان عناصر و دستگاه‌های متولی و ذیربط، نیازی اساسی است که نبود آن در جامعه زنان آسیب‌جدی‌تر را همراه خواهد داشت. به همین دلیل باید به جد بدان پرداخت، در اینصورت است که می‌توان به زیرساخت‌ها پرداخت.

۳. گردشگری حوزه‌ای است که در درون خود رشته‌های متعددی را بارور می‌سازد. فرصت ویژه‌ای است که جامعه زنان می‌توانند فعالیت‌های کارآفرینانه و کسب و کارهای نو ایجاد کنند.

پیشنهاد می‌شود معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری با سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری همراه با کمک‌های فکری و اجرایی نهادهای مدنی بویژه اتاق بازرگانی، مفاد توسعه‌ای این حوزه را در برنامه ششم تدوین و لحاظ کنند.

۴. توسعه پایدار روستا بویژه روستاهای با پتانسیل گردشگری می‌تواند بر محور گردشگری متمرکز باشد.

انجمن زنان کارآفرین با هدف کمک به ترویج و توسعه کارآفرینی زنان و کسب و کارهای جدید در حوزه گردشگری، یازدهمین همایش خود را در شهرستان بم برگزار می‌کند.

دیاری که موسسین انجمن در اوان شکل‌گیری، برای تحکیم دوستی خود، همراه با همدردی با مردمان آسیب دیده در زلزله، آن را انتخاب کردند و اینک با تقارن دهمین سال حیات انجمن در این مکان دانستیم و دانستند که نهاد مدنی علیرغم فراز و نشیب‌های پیرامونی می‌تواند نقش و هویت اجتماعی خود را از جمله کمک به جریان سازی کارآفرینی زنان در ایران تثبیت کند.

در این مسیر و در راستای تحقق اهداف همایش کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری، ضمن قدردانی از سازمان‌ها و نهادهای پشتیبان خود بویژه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان عمران کرمان، اتاق بازرگانی کرمان، معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، مجتمع آموزش عالی بم، هوایمایی ماهان و مدیریت ارگ جدید، فرمانداری بم، شورای شهر بم و استانداری کرمان براین باوریم که:

۱. در شرایط اقتصادی پرچالش کنونی بویژه متأثر از



نشست تخصصی «کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری»



آن چه گردشگران مسافر به ایران را شگفت زده می کند، ویژگی محیط پرستاری مبتنی بر زنانگی جامعه ایرانی است. یعنی آن میهمان داری که ما بر اساس فرهنگ ایرانی خود انجام می دهیم. مهندس بهشتی تاکید کرد: ما تنها زمانی می توانیم در گردشگری موفق شویم، که افزون بر ایجاد زمینه های امن و استانداردهای نخستین، محیط پرستاری و زنانگی را به صورت ماهوی محور گردشگری و برنامه ریزی ها در این زمینه کنیم. بدیهی است که بهترین کسانی که می توانند این ویژگی را به بهترین شیوه اجرا کنند، زنان کشورمان هستند. به گفته ی وی، اگر به موضوع کارآفرینی و ایجاد کسب و کار بانوان در زمینه گردشگری توجه نشود و بسترهای لازم فراهم نیاید، فرصت های توسعه از دست خواهد رفت و ما در گسترش گردشگری موفق نخواهیم بود.

به گزارش روابط عمومی انجمن زنان کارآفرین، در این نشست که با حضور بانوان و علاقه مندان کارآفرینی در زمینه گردشگری در پژوهشگاه میراث فرهنگی برگزار شد، خانم صابر یکی از اعضای موسس انجمن زنان کارآفرین و مدرس کارآفرینی، خانم احمدزاده مشاور امور زنان و خانواده سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، آقای کاوه رئیس کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و آقای دکتر علاءالدینی استاد دانشگاه به پرسش های حاضران در خصوص مشکلات و موانع ایجاد کسب و کار و کارآفرینی در حوزه گردشگری و نیز بسترسازی ها و تسهیلات و یاری هایی که دولت در این زمینه در نظر گرفته و یا باید فراهم کند، پاسخ دادند.

گفتنی است، این نشست به عنوان پیش زمینه همایش «کسب و کار و کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری»، که ۱۵ بهمن ماه در شهر بم و با حضور مقام های عالی و بانوان کارآفرین و سایر علاقه مندان و فعالان در بخش گردشگری برپا می شود، به همت انجمن زنان مدیر کارآفرین و با همکاری پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری برگزار شد.

مهندس بهشتی در نشست تخصصی «کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری»: توسعه گردشگری در گرو حضور بیشتر بانوان است، اگر حضور بانوان را در حوزه گردشگری فراهم و تضمین نکنیم، به جز جنبه کمی، از نظر کیفی نیز فرصت های گسترش گردشگری را از دست خواهیم داد، چون توسعه گردشگری در گرو حضور بیشتر بانوان است.

ایشان در نشست تخصصی «کارآفرینی زنان در حوزه گردشگری» با بیان این مطلب گفتند: ما در فرهنگ و ادبیات متعارف خود واژگان مرد و مردانگی را از یک سو و زن و زنانگی را از سوی دیگر، معادل هم قرار می دهیم. هر چند زنانگی در زنان و مردانگی در مردان بیشتر آشکار می شود، اما به نظر من هر کدام از این واژگان معنی های جداگانه ای دارند، که باید مورد توجه قرار گیرند و اهمیت این موضوع در گردشگری نماد بسیاری دارد.

وی افزود: من در یک تقسیم بندی، با توجه به فرهنگ سرزمین ها و کشورها و اقوام مختلف، جوامع را به چند دسته بخش بندی کرده ام، که شامل محیط های شکارگری با گرایش به جنبه مردانگی، محیط های بینابین زنانگی و مردانگی و سرانجام محیط های پرستاری با دل بستگی به ویژگی های زنانگی است.

رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی با تاکید بر اهمیت توجه به این ویژگی ها در حوزه گردشگری اضافه کرد: فرهنگ ایرانی ها کاملاً با زنانگی هم پوشانی دارد و یک محیط پرستاری است، که میهمان نوازی و ایجاد صمیمیت و پایبندی به مراقبت از میهمانان و پذیرش آنها در محیط صمیمی خانواده از مهم ترین ویژگی این محیط است. وی با انتقاد از تقلید از الگوی غربی در برخی حوزه های گردشگری گفت:

الگوی غربی در گردشگری در زمینه ایجاد هتل ها و میهمان پذیرها و نیز رستوران ها و سایر مواردی که به استاندارد و بهداشتی و مناسب بودن زمینه های پذیرایی و ایجاد امنیت و آسایش برای میهمانان مربوط می شود، حتماً باید رعایت شود. اما

تقدیر و تشکر

از مرکز تحقیقات و بررسی های اقتصادی، آموزش و انتشارات اتاق، خانم ها ایزدپناه، زاهدی، زاینده رودی، تهیه کنندگان گزارش، مقاله، اعضای کمیسیون گردشگری و کمیته فنی و انتشارات بخاطر تحقق علائق و زحماتشان در انتشار این فصلنامه صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

سید محمد ابراهیم علوی

مدیر مسئول، رئیس کمیسیون گردشگری و حمل و نقل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان و مشاور عالی کمیسیون گردشگری و خدمات اتاق ایران

ادامه سخن مدیر مسئول از صفحه ۲

دستگاه ها و مردم مشارکت جدی داشته باشند. موضوع مهم دیگر توجه ویژه و اساسی به تقویت، نگهداری و توسعه زیر ساخت های صنعت گردشگری در ایران و استان کرمان است. به گفته اکثر گردشگران داخلی و خارجی سه مشکل اساسی صنعت گردشگری ایران در بحث زیر بناها، کمبود فضاهای اقامتی اعم از خانه های روستایی، میهمان پذیرها، انواع هتل ها (از یک ستاره تا چند ستاره) تمیز و بهداشتی با پرسنل آموزش دیده و آشنا به حداقل یک زبان خارجی است.

دومین مساله ترافیک بعضی شهرها از جمله تهران، اصفهان و ضعف سیستم های حمل و نقل بار و مسافر (زمینی، دریایی، هوایی و ریلی) و سومین مشکل مهم، موضوع سرویس های بهداشتی به ویژه در مسیرها و محورهای ارتباطی گردشگری است که هم به لحاظ نظافت و مسائل بهداشتی و هم به لحاظ نوع معماری (اندازه و متراژ فضا، سیفون، مایع یا صابون دستشویی، دستمال کاغذی و یا دستگاه خشک کن و...) مناسب سن و سال و جنسیت گردشگران به ویژه افراد مسن نمی باشند.

باید توجه داشت گردشگری یک امر فرابخشی است و تنها سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری متولی این صنعت نیست و همه مردم اعم از روستایی و شهری، همه دستگاه های دولتی و خصوصی، همه تشکل ها و نهادهای مدنی، مدارس، دانشگاه ها، شهرداری ها، شورای اسلامی شهر و روستا، دهیاران، بخشداران، فرمانداران، نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی، انجمن جمع و جماعت در توسعه و رونق صنعت گردشگری، سرمایه گذاری در این بخش درآمدزا و اشتغالزا و نگهداری محیط زیست سهیم و نقش دارند که باید به ایفای نقش خود در سطح محلی، ملی، منطقه ای و بین المللی به بهترین نحو ممکن عمل نمایند. آن وقت است که شاهد سیل عظیم گردشگران داخلی در سطح ملی و خارجی (بین المللی) خواهیم بود، فراموش نکنیم نحوه پذیرایی، برخورد و چگونگی تامین خدمات مورد نیاز گردشگران داخلی و خارجی، بهترین و آسانترین و کم هزینه ترین راه تبلیغ ایران، اخلاق، هنر، میهمان نوازی و امنیت ایران (و استان) است.

با امید به همکاری روز افزون با یکدیگر

مدیر مسئول: سید محمد ابراهیم علوی ■ سردبیر: بتول ایزدپناه ■ مدیر هنری و فنی: فرزانه زاهدی ■ طراحی و صفحه آرایی، تحریریه: اعظم عرب نژاد- فروغ زاینده رودی

نشانی: کرمان، بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان ■ تلفن: ۳۲۴۴۴۶۷

ارسال مطالب علمی و تخصصی و تجربیات شما در زمینه گردشگری جهت نشر، مزید امتنان است/ مطالب مندرج لزوماً بیانگر دیدگاه کمیسیون نمی باشد/ فصلنامه گردشگری کرمان در چاپ و ویرایش مطالب ارسال آزاد است.